



خانواده مبلغان ۷

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول - شماره ۷ - ذی القعدة ۱۴۴۴

- دختران امروز، مادران فردا
- مقاومت با جان
- چگونه خود باشیم؟!
- جامعه‌ای برای جامعه

- نقش والدین در پیوند خواهر و برادری
- تاثیر فضای مجازی بر تربیت فرزندان

پیامبر اکرم ﷺ
دختران مایه برکت هستند.

مستترک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۱۵

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

ذی القعدة ۱۴۴۴ ق

۷



«زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند.»

صحیفه امام ج ۱۶، ص ۱۹۲.

mobaleghankhanvade.ismc.ir





خانواده مبلغان ۷

ماهنامه اطلاع رسانی، علمی، آموزشی
سال اول- شماره ۷
ذی القعدة ۱۴۴۴ قمری
خرداد ماه ۱۴۰۲ شمسی

شناسنامه

- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
- مدیرمسئول: محمود مقدمی
- سردبیر: جواد قراباغی
- هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغراخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی نیا، علیرضا زنگویی، جواد قراباغی، محمد حامد مبینی راوندی، هاجر شعبانی موسی کلاهی، سیده منیر سیدتقیبا، رضیه جبرئیل زاده، زینب رحیمی تالارپشتی.
- مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
- صفحه آرا و امور هنری: سیدمحسن حسینی

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
۲. مسئولیت مقالات و نوشته ها بر عهده نویسندگان است.
۳. مقالات و یادداشت های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی-پژوهشی، منتشر می شود.
۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته ها، آزاد است.
۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.

فهرست

پیام فرمانده (خاصیت حضور مسئولانه بانوان در اجتماع) ۳

دخترانِ امروز، مادرانِ فردا ۴

دانش‌افزایی

مرزداران ۶

همراهان ۲ (سلام بر خیزران ﷺ) ۱۰

نقش والدین در پیوند خواهر و برادری ۱۴

محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۴ ۱۸

حاج آقای مشکل‌گشا ۳ ۲۴

تأثیر فضای مجازی بر تربیت فرزندان ۲۸

مقاومت با جان ۳۴

چی بخونیم؟ (تربیت جنسی فرزندان: عوامل، روش‌ها و راهکارها) ۴۰

قصه‌های من و مادربزرگ ۱ ۴۳

در سرزمین عجایب ۱ (بختی که بسته شد) ۴۷

خاطرات یک مشاور ۲ (کشتی امن دین‌داری) ۵۰

یک هنر و صد برکت ۵۵

مهارت‌افزایی

القای تربیت ۱ (مسائل والدین در مسیر تربیت صحیح فرزندان) ۶۰

چند قدم تا خوشبختی ۶۶

چگونه حسود نباشیم؟! ۷۰

بصیرت‌افزایی

جامه‌ای برای جامعه ۷۷

بامخاطبان

از جان و دل ۳ ۸۱

می‌تونم بگی؟ ۸۵



پیام فرمانده

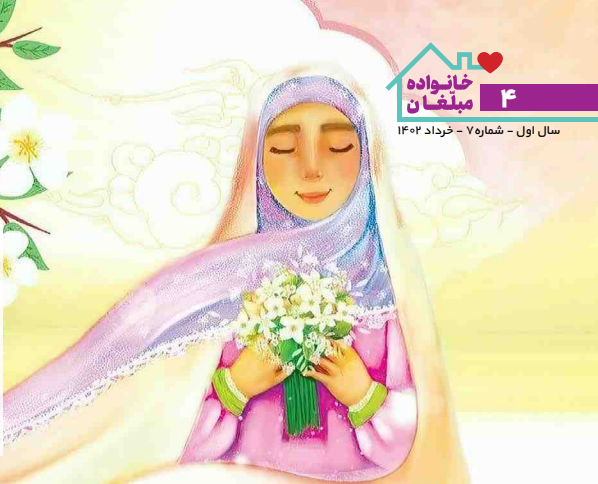
خاصیت حضور مسئولانه بانوان در اجتماع

در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک‌خانه است - در حقیقت همه‌ی آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است!



پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار جمعی از زنان، مورخ: ۱۳۷۶/۷/۳۰.



دختران امروز، مادران فردا

چوادرابائی

روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت ابراهیم علیه السلام با وجود فرزندان فرهیخته و بزرگوار چون حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق علیهما السلام، برای داشتن فرزند دختر هم دعا می کرد: **«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ إِنْتَهَ؛ حضرت ابراهیم علیه السلام از حضرت حق درخواست دختر کرد.»** همچنین از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خصوص داشتن سه دختر یا سه خواهر نقل شده است که: **«مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که سه دختر یا سه خواهر داشته باشد، بهشت بر او واجب می شود.»** با این توضیح، تربیت دختر از پسر مهم تر است، این امر نشان دهنده حساسیت و تأثیرگذاری مهم و حیاتی آن است. تربیت شایسته ی دختر، خود زمینه و بستری برای تربیت نسل صالح خواهد بود. چراکه

شاید شنیده اید که سال ها پیش، برخی از مردان وقتی می شنیدند که همسرشان، دختر به دنیا آورده، با ترش رویی از این موضوع، اعلام نارضایتی می کردند. این نگاه، برآمده از بینشی است از دوران جاهلیت، که دختر را موجودی پست می شمردند. متأسفانه امروز هم در گوشه و کنار این عالم، حتی در سرزمین خودمان می بینیم که نگاه برخی به دختر، به عنوان جنس دؤم است، جنسی برای لذت مرد؛ اگرچه شعار **«زن، زندگی، آزادی»** سر بدهند، ولی برهنگی او را می خواهند، نه انسان سازی او را. در حالی که روایات دینی غیر از آن می گوید. یعنی در نگاه ائمه ی معصومین علیهم السلام توجه به دختر بیشتر است، حتی در روایات اسلامی آمده است هر کسی که دختر ندارد، مستحب است برای داشتن فرزند دختر، دعا کند. در

شهدا که قهرمانانه از فرزندان کوچکی مراقبت می‌کنند که پدرانشان را در دفاع از حرم از دست داده‌اند. روز دختر، بهانه‌ای است تا از نقش مهم و بزرگ دخترانمان در آینده بگوییم. از تربیت فرزندان حرف بزنیم که در جامعه نقش آفرین خواهند شد، باید به دخترانمان بگوییم مشاغلی مثل فروشنده‌گی در مغازه‌ها، منشی‌گری در ادارات و... رسالت شما نیست، بلکه خدا شما را خلق کرده که انسان‌ساز باشید، فرهنگ‌ساز باشید، مربی باشید، قرار است بهشت زیر پای شما باشد. باید یادآوری کرد که عفاف و حجاب آنان علاوه بر تحکیم بنیان خانواده، زمینه‌های سلامت جامعه و تربیت نسلی اسلامی و انقلابی را فراهم خواهد ساخت.

«دختران امروز، مادران فردا هستند.» و این دختران قرار است در آینده، نسل بشر را تربیت کنند و در حقیقت آینده‌ی بشر به دست همین دختران امروز است. از این رو، والدین بیش از همه، باید برای ارتقای سطح توانمندی‌های دخترانشان تلاش کنند. دختران باید باور کنند که می‌توانند استعدادهای بالقوه‌ی خود را بالفعل کنند. مهیا کردن شرایط و امکانات مطلوب تربیتی و آموزشی وظیفه‌ی مهمی است که در مرحله‌ی اول بر دوش پدر و مادر و در مرحله‌ی بعد، مربیان و مبلغان است که برای دختران الگوسازی کنند؛ آن‌هم الگویی که با زبانی نرم و امروزی برایش بیان شود تا باورپذیر باشد؛ برای آنان از «دختر شینا»^۳ بگویند، از «فرزنگیس»^۴؛ دختر تبر به دست، حتی از «من میترا نیستم»^۵ بگویند تا با عمق جان‌شان بپذیرند این سرزمین دخترانی قهرمان داشته و دارد که شجاعانه در کنار خانواده ایستادند تا ذره‌ای از این خاک به دست دشمن نیفتد؛ برایشان از زنان جوان عصر حاضر بگویند، همسران



پی‌نوشت

۱. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالتعارف، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۴، الباب ۲۳.
۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶، ص ۶.
۳. «دختر شینا»؛ <https://b2n.ir/h35062>.
۴. «فرزنگیس»؛ <https://b2n.ir/g69214>.
۵. «من میترا نیستم»؛ <https://b2n.ir/y51269>.



مرزداران

رقیه حیدری آل کثیر
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه - کارشناس مشاوره

گفتم: چقدر تند می‌روی؛ کمی آرام‌تر تا من هم به تو برسم. این‌ها که می‌گویی را از کجا آوردی؟
گفتم: مگر نشنیدی حدیث داریم که می‌گوید «أعدائُهُ علماء؟» در روایات آمده وقتی امام می‌آیند هفتاد نفر از بزرگان علما و ۳ هزار نفر از طلاب را از دم می‌کشند! پیامبر ﷺ هم خوب پیش‌بینی کرده بود که فقهای آخرالزمان بدترین

گفت: من اصلاً به علما اعتماد ندارم. چون شنیدم وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کنند، همین علما با ایشان دشمنی می‌کنند؛ الآن خوب به قدرت رسیده‌اند و مردم دورشان جمع شده و به آن‌ها احترام می‌گذارند؛ وقتی امام تشریف بیاورند، همه‌ی این‌ها باید کنار بروند. خب معلوم است آن موقع طاقت نمی‌آورند و با امام می‌جنگند.

باشد که برخی صحابی (که فقهای آن زمان بودند) وصی پیامبر ﷺ را کنار زدند و خلافت را غصب کردند و بدعت در دین را آغاز نمودند؛

ثانیاً برفرض که آن پیش‌گویی شامل زمان ما هم بشود؛ چرا بجای تطبیق دادن هزاران فقیه و مفتی وهابی و تکفیری که در دین بدعت آشکار کردند، از دشمن اسلام پول می‌گیرند و به نفع اسرائیل جنایتکار فتوا می‌دهند و نان در خون بی‌گناهان فلسطین و یمن و سوریه و... می‌زنند، فقهای شیعه را بر این روایت تطبیق می‌دهی؟

عجیب نیست؟ فقهای ظالم و بدعت‌گذار و دشمن اهل بیت ﷺ وهابی و تکفیری را رها کنیم و فقهای شیعه را مورد اتهام قرار بدهیم؟

ثالثاً اگر این قضاوت که اول صحبتت گفتمی درست باشد، قاعدتاً علما نباید بگذارند نام امام زمان ﷺ زنده بشود.

فقها هستند... حدیث پیغمبر ﷺ را که نمی‌توانی رد کنی!

گفتم: خوب بریدی و دوختی. اما قبل از تن کردن این لباس کمی صبر کن ببینیم اصلاً این پیش‌گویی‌هایی که کردی را کدام یک از **ائمه معصومین** ﷺ خبر داده‌اند.

من چند نکته بگویم؛ شاید بعد از آن نگاهت به این روایات عوض شود.

گفتی حضرت رسول ﷺ فرموده‌اند فقهای آخرالزمان شر هستند. حتماً منظور روایت «**فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمانِ شُرُفُ فُقَهَاءٍ**» است که گفته شده درباره آخرالزمان فرموده‌اند.

یک سؤال؛ چطور نتیجه‌گرفتی منظور حضرت، فقهای زمان ما و فقهای شیعه بوده؟!

اول اینکه برخی معتقدند دوره‌ی آخرالزمان از زمان ولادت خود حضرت رسول ﷺ آغاز شده؛ پس پیش‌گویی حضرت می‌تواند درباره‌ی دوران بعد از وفات خودشان

غیبت داریم: روایت امام هادی علیه السلام که می‌فرمایند: «اگر بعد از غیبت قائم شما، نبودند علمایی که مردم را به سوی او می‌خوانند و... با برهان‌های الهی از دین او پاسداری کنند... هیچ‌کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند.»^۴

یا روایت امام صادق علیه السلام که علمای شیعه را مرزداران مرزهای عقاید شیعیان نامیده و مقام ایشان را از مجاهدین هزاران بار بیشتر دانسته.^۵

یا روایت امام جواد علیه السلام که از جایگاه بالای علمایی می‌فرمایند که تکفل ایتام آل محمد صلوات الله علیهم (منظور شیعیان عصر غیبت) را به عهده گرفته‌اند^۶ و ده‌ها روایت دیگر...

در بیشتر این روایات تصریح شده منظور فقهای شیعه در عصر غیبت است. انصاف است که این روایات محکم با اشاره مستقیم رازها کنیم و روایات کلی یا ضعیف را تطبیق دهیم؟

درحالی‌که مراجع عظام تقلید ما و علمای شیعه در منابر و وعظ و تالیف و تألیف، بیش از همه تلاش در توجه دادن مردم به امام غایب دارند.

• اما این روایاتی که گفتی...

اولاً روایات کشتار علما توسط امام بعضاً سند درستی ندارند؛

ثانیاً عبارت «اعدائے علما» روایت نیست و جمله‌ای از ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه است.^۳

ثالثاً برفرض صحت، چرا همان‌طور که الآن گفتم این عبارت را بر علما و طلاب وهابی دشمن اهل بیت علیهم السلام که تمام هم و غمشان دفن نام اهل بیت علیهم السلام و حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام است، تطبیق ندهیم؟

در مقابل این روایات که یا ضعیف هستند یا مشخص نیست مصداقشان چه کسانی در چه زمانی است! روایات صحیح فراوانی در منقبت علمای دوران

نباید شک کنیم دشمنان شیعه و دوری از امامشان، بی‌یار و راهنما بمانند و امام زمان علیه السلام این حرف‌ها و شایعات را در گوش ما زمزمه می‌کنند تا مردم از امانت‌داران اهل بیت علیهم السلام یعنی علمای شیعه فاصله بگیرند و در عصر غیبت و

بیشتر سرگردان شوند؟

کمی به فکر فرو رفت، گفت تا حالا به این مطالب توجه نکرده بودم. راست گفتم...



پی‌نوشت

- ۱ - «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسْمَعُونَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ، فُقُهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرٌّ فُقُهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ حَرْجَبُ الْفِتْنَةِ وَ إِلَيْهِمْ تَعُوذُ. روزگاری بر اتمم فرارسد که از قرآن جز نوشته ظاهری و از اسلام جز نام به‌جای نماند؛ مسلمان نامیده می‌شوند ولی دورترین مردم از آن‌اند؛ مسجدهایشان آباد ولی از هدایت، ویران و تهی باشد؛ فقیهان آن زمان، بدترین فقیهان در زیر سایه آسمان باشند؛ فتنه از خودشان به پا شود و به خودشان نیز بازگردد.» بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۱۴.
- ۲ - درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری، علی محمدی هوشیاری، انتشارات تولی، قم، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴.
- ۳ - فتوحات مکیه، الباب السادس و الستون و ثلاثاً، به نقل از درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، علی محمدی هوشیاری، ص ۲۲۸.
- ۴ - «رَأُو لَمْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لِصُغْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدِّيهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ؛ اگر بعد از غیبت قائم شما نبودند علمایی که مردم را به سوی او می‌خوانند و به سوی او راهنمایی می‌کنند و یا برهان‌های الهی از دین او پاسداری می‌کنند و بندگان بیچاره خدا را از دام‌های ابلیس و پیروان او و همچنین از دام‌های دشمنان اهل بیت رهایی می‌بخشند، هیچ‌کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند.»؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶، ح ۱۲.
- ۵ - امام صادق علیه السلام فرمودند: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي النَّعْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عِفَارِيئُهُ، يَمْتَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى صُغْفَاءِ شِيعَتِنَا، وَ عَنْ أُنْ عِنَ يَتَسَلَطُ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ؛ علمای شیعه ما، نگهبانان مرزی هستند که در آن سوبیش ابلیس و دیوهایش قرار دارند و [این علما] جلوی یورش آن‌ها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و پیروان او بر ایشان را می‌گیرند.» احتجاج علی اهل اللجاج، شیخ طبرسی، مشهد، انتشارات مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳.
- ۶ - امام جواد علیه السلام فرمودند: «مَنْ تَكَلَّمَ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْقَطِعِينَ عَنْ أُمَمِهِمُ الْمُتَحِيرِينَ فِي جَهْلِهِمُ، الْأَسْرَاءِ فِي أَيْدِي شَيْطَانِهِمْ وَ فِي أَيْدِي النَّوَاصِبِ مِنْ أَعْدَائِنَا فَاسْتَنْقَدَهُمْ مِنْهُمْ وَ أَخْرَجَهُمْ مِنْ حَبْرَتِهِمْ وَ فَهَزَّ الشَّيَاطِينَ بِرِدِّ وَ سَاوَسَهُمْ وَ فَهَزَّ النَّاصِبِينَ بِحُجَجِ رَبِّهِمْ وَ دَلِيلِ أُمَّتِهِمْ لِيُقَصِّلُونَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى الْعِبَادِ...؛ همانا کسی که متکفل ایتام آل محمد شود، آنان که از امامشان جدا شده و در جهل خود سرگردان مانده و در دست شیاطین و ناصبیان از دشمنانمان اسیر گشته‌اند، پس آنان را از چنگال شیاطین و دشمنان ما نجات داده و از حیرتشان بیرون برد و شیاطین و دشمنان ما را با دلایل واضح مقهور سازد، چنین کسانی نزد خداوند برترین بندگان خواهند بود.»؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶.

محمدحسن خدای

همراهان ۲

سلام بر خیزران عليه السلام

در یازدهمین روز از ماه ذی القعدة دوست داران آل الله از میلاد شمس الشمس حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام به سرور می نشینند. امامی که نه فقط ایران بلکه تمام عالم جیره خوار سفره ی کرمش هستند. اما یار و یاور امام رضا عليه السلام در دوران سختی که حتی نزدیکان حضرت درباره ولی پس از ایشان خدشه کردند، «حضرت خیزران عليه السلام» بود که دامان پاکش خواستگاه ارباب دو سرا، اختر تابناک برج ولایت «جواد الائمه عليهم السلام» گردید. «خیزران» نامی است که امام رضا عليه السلام بر ایشان گذاشتند. همچنین از نام های دیگر این بانو به «سببیکه» و «ریحانه» یاد شده است. و کنیه ی او را «ام الحسن» دانسته اند. این بانو از اهالی «نوبه» بودند و نسلشان به خاندان «ماریهی قبطیه» همسر رسول خدا که پیامبر صلى الله عليه وآله

مرا به او برسان چنانچه رسول خدا ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری امر کرد که سلام مرا به امام باقر علیه السلام برسان»^۵

این توصیف نشان از تقوا و پرهیزکاری ایشان است. زیرا ائمه علیهم السلام بدون جهت از کسی تعریف و تمجید نکرده و از روی تمایلات نفسانی کسی را نمی ستایند.

خیزران، همدم خورشید هشتم؛

یزید بن سلیط می گوید: «در همان مکانی که موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم امام رضا علیه السلام را ملاقات کردم.

ایشان از ملاقات من با پدرشان پرسیدند

از او فرزندی به نام ابراهیم داشت که درگذشت می رسد.^۳

سلام بر خیزران

یزید بن سلیط می گوید:

« برای انجام عمره به مکه رفته بودم؛ در بین راه موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم ، فرمود: «در این سال طاغوت مرا می گیرد

و کار امامت با پسر من علی است... سپس فرمود: یزید! هرگاه به این مکان گذر کردی او را می بینی؛ پس به وی بشارت بده به

این که متولد می شود از او پسری... پس خبر بده او را که آن کنیزی که این پسر از او متولد خواهد شد، از خانواده ی ماریه ی

قبطیه مادر ابراهیم است و اگر توانستی سلام من را به آن کنیز برسان»^۴

شیخ عباس قمی رحمه الله می گوید: «در عظمت مقام ارجمند این بانو همین حدیث معتبر کافی است که امام موسی بن جعفر علیه السلام

به یزید بن سلیط امر می کند سلام



و من وقایع را گفتم، فرمودند: آن کنیز هنوز نیامده است، وقتی به دستم رسید سلام پدرم را می‌رسانم. من با امام به مکه رفتم. امام رضا علیه السلام در آن سفر خیزران را خریداری نمودند. مدت زیادی نگذشت که خیزران حامل نور ولایت شد.»^۶

خصوصاً ما را آن‌گونه که هست ندارند؛^۷ اما مادران معصومین علیهم السلام به پایه‌ای از تکامل روحی رسیده‌اند که توانایی پذیرش آن‌ها را پیدا نمودند. حضرت خیزران علیه السلام نیز نور ولی خدا را طلایه‌دار بود تا سال ۱۹۵ ه.ق که خورشید امامت طالع گردید. «يَسْتَطِيعُ نَوْرُهُ حَتَّى أَضَاءَ الْبَيْتِ فَأَبْصَرْنَاهُ» هنگام تولد نوری از آن حضرت ساطع گردید که تمام خانه را روشن کرد.



خیزران در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله

علی بن جعفر (عموی امام رضا علیه السلام) می‌گوید: هنگامی که برادران و عموهای حضرت رضا علیه السلام (در مورد فرزند) بر او خرده‌گیری کردند، حضرت سخنان بسیاری فرمودند. من برخاستم و دست ایشان را بوسیدم. ایشان فرمودند: عمو! مگر از پدرم نشنیدی که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پدرم فدای

تجلی روح بخشش؛

بزرگ‌ترین موهبت الهی که نصیب خیزران گردید، شایستگی‌اش برای مادری یکی از امامان معصوم علیهم السلام بود. این بیانگر قابلیت‌های فوق‌العاده و عظمت روحی اوست. ائمه‌ی معصومین علیهم السلام فرموده‌اند: مردم گنجایش درک

حضرت جواد علیه السلام، امام بسیار خوشحال شدند و نزد اصحاب آمده و فرمودند:

« قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَالِقِ الْبَحَارِ وَ

شَبِيهُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ قَدْ سِئْتُ أُمَّ وَوَلَدْتُهُ قَدْ خُلِقْتُ

ظَاهِرَةً مُطَهَّرَةً^۸؛ خدا به من فرزندی داده

است شبیه موسی ابن عمران علیه السلام است

دریاها را می شکافد (همان طور که

موسی شکافت و بنی اسرائیل را از

سلطه فرعون خارج کرد) و شبیه عیسی

بن مریم علیها السلام است و مادری که او را به

دنیا آورده مادر بسیار مقدسی است.»

فرزندی که از بهترین کنیزان اهل نوبه

که طیب و طاهر است و بین فرزندش و

پدرش فاصله خواهد افتاد و در اثر این

فراق عده‌ای در انتخاب امام، راه ضلالت

و هلاکت را خواهند پیمود.^۸

پاک؛ همچون مریم

امام رضا علیه السلام تا اواخر عمر فرزندی نداشتند

و چشم امید همه به خیزران بود. امام مژده

می دادند که خداوند نسلشان را به واسطه‌ی

خیزران حفظ خواهد کرد. پس از تولد

پی‌نوشت

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۷.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، انتشارات مکتبه حیدریه، قم ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۱.

۳. الارشاد، محمد بن محمد شیخ مفید، انتشارات مکتبه بصیرتی، قم، ص ۶۴.

۴. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات جهان آرا، تهران ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۹.

۵. انوار البهیة، تقی طباطبایی قمی، انتشارات محلاتی، قم ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۳۹۱.

۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۲۳۳.

۸. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱.

۹. همان، ج ۵۰، ص ۱۵.

نقش والدین در پیوند خواهر و برادری

محمد زاهدی مقدم - دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه



در زندگی‌های امروزی حاکم شدن بعضی الگوهای غربی، باعث شده نهاد خانواده از برخی فضایل اخلاقی و ارزش‌های الهی، فاصله گرفته و خانه به محل پرورش افکار غیرانسانی تبدیل شود. بدبینی اعضای خانواده به یکدیگر و در نتیجه، کم شدن محبت بین اعضای خانواده، رهاورد همین نگاه دنیا زده‌ی غربی است که بعضی خانواده‌ها به آن دچار شده‌اند.

یکی از زیباترین جلوه‌های تربیت صحیح در خانواده که می‌تواند خانواده را از آسیب‌های اجتماعی دور کند؛ هم‌دلی اعضای خانه، به‌ویژه هم‌دلی خواهر و برادر است.

تبدیل بد اخلاقی به خوش اخلاقی، افسردگی به شادمانی، بدبینی به خوش‌بینی، تندخویی به نرمی، بی‌مهری به مهرورزی و بی‌اعتمادی به دلگرمی، و در یک‌کلام، پیوند عاطفی به‌ویژه میان خواهر و برادر در خانواده‌ها، به‌ویژه در خانواده‌های طلاب و مبلغان؛ نیازمند آگاهی والدین و برنامه‌ریزی توسط آنهاست که در ادامه به بیان برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

پدر و مادر را الگو قرار می‌دهد و با دیدن هم‌بستگی، انس و یادگیری‌های والدین یاد می‌گیرد چگونه رفتار کند.



۲ عدالت را رعایت کنیم

تبعیض و بی‌عدالتی میان فرزندان آن‌ها را آزرده کرده و به مرور به عواطفشان آسیب می‌زند؛ در مقابل، یک رابطه‌ی عاطفی عادلانه به ایجاد همدلی بین اعضای خانواده منجر می‌شود؛ عدالتی که حتی در جزئی‌ترین امور تربیتی مثل بوسیدن فرزندان باید رعایت شود؛ چنان‌که روایت شده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که فقط یکی از دو کودک خود را بوسید، حضرت فرمود: «چرا بین کودکان خود مساوات

۱ رفتارهای درست داشته باشیم

با برنامه‌ریزی درست برای دوران کودکی، می‌توان در درازمدت به نتایج قابل توجهی دست یافت. چراکه دوران کودکی، دوران بسیار حساسی در تربیت است؛ دورانی که خواهر و برادر بیشترین الگوپذیری را از محیط اطراف و افراد پیرامونشان دارند و در این میان، رفتارهای پدر و مادر بیشترین تأثیر را دارد؛ رفتارهایی که می‌تواند به ایجاد همبستگی، محبت، عطف، عشق‌ورزی و یا در نقطه‌ی مقابل، به پیدایش اختلال‌های روانی، بدخلقی، مشاجره، جنگ و ستیز بین خواهر و برادر ختم شود.

بنابراین برقراری پیوند محبت‌آمیز بین اعضای خانه و خانواده، نیازمند آموزش بوده و علاوه بر این لازم است که ما والدین بیشترین مراقبت را روی رفتارهای خود داشته باشیم؛ چراکه کودک رفتار

در نتیجه به بدبینی، احساس حقارت، حسادت، دشمنی، کدورت و کم شدن محبت بین خواهر و برادر بیانجامد.

۳ مهارت‌های دوستی را آموزش دهیم

در کنار هم بودن اعضای خانواده از مهم‌ترین مهارت‌های تربیتی است که باید به فرزندان آموزش داده شود. احترام گذاشتن خواهر و برادر به یکدیگر، تشویق به برقراری روابط خوب بین آن‌ها، شرکت دادن در فعالیت‌های گروهی و... بخشی از مهارت‌هایی هستند که به پیوند دوستی بین اعضای خانواده، به ویژه خواهر و برادر، کمک می‌کند.

نکردی؟! در روایت دیگری نیز این‌گونه به اهمیت رفتار عادلانه با فرزندان اشاره شده است: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایید همان‌طور که دوست دارید دیگران با شما به عدالت رفتار کنند.»^۲

فرق گذاشتن بین اعضای خانواده هم می‌تواند بین آن‌ها تنفر ایجاد کرده و



شکل بگیرد و به این باور برسند که عشق و علاقه‌ای که در این رابطه وجود دارد، در هیچ رابطه‌ی دیگری نیست و این رابطه منحصر به فرد است. بیان این حقوق به قدری در اسلام مهم است که پیامبر اسلام ﷺ حق برادر بزرگ را بر خواهر و برادر کوچک‌تر، مانند حق پدر بر فرزند، و حق خواهر بزرگ را مانند حق مادر بر فرزند برمی‌شمرد.^۳



برای مطالعه بیشتر

▶ راهنمای بهبود روابط خواهر و برادر، ترجمه: سارا رژیسی طوسی، نشر صابرین، ج ۶، ۱۳۹۵.

به عنوان نمونه، اگر درباره‌ی خوب سخن گفتن، به کودک آموزش دهیم که بلند بلند حرف نزند، قبل از حرف زدن اجازه بگیرد، از القاب زشت استفاده نکند و... یا اگر فضایی آرام مهیا کردیم تا خواهر و برادر در قالب فعالیت گروهی، تعامل و همکاری، خوب گوش دادن و تلاش برای فهم بهتر نظرات هم تمرین کنند، عملاً در راستای ارتباط هر چه بهتر و صمیمی‌تر آن‌ها گام برداشته‌ایم. البته در آموزش این مهارت باید مرتباً جایگاه خانواده و روابط خانوادگی، رابطه‌ی خواهر و برادری، و حقوق آن‌ها بر یکدیگر را به کودکانمان گوشزد کنیم، تا آرام‌آرام رابطه‌ی مطلوب میان آن‌ها

پی‌نوشت

۱. مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، انتشارات فراهانی، چاپ دوم تهران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰.
۲. همان، ج ۱، ص ۴۲.
۳. علم اخلاق اسلامی، ملا محمد مهدی نراقی، (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه‌ی سید جلال الدین مجتبیوی، انتشارات حکمت، چاپ اول قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷۵.



الهه صالحی - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۴

در شماره‌های گذشته به‌ضرورت و محدوده‌ی حیا در روابط بین زوجین اشاره شد. در این شماره نیز، حیای والدین در مقابل فرزندان بررسی خواهد شد.



حیا والدین در برخورد با فرزندان

خانواده را فراهم کرده و قطعاً در پیشگاه خداوند و فرزندان‌شان مسئول خواهند بود. یکی از مواردی که از اهمیت ویژه‌ای در تربیت و به کمال رسیدن فرزندان نقش دارد؛ شکل‌گیری حیا در فرزندان است. حیا امری است که والدین باید قبل از فرزنددار شدن آن را ایجاد کنند.

والدین در کانون خانواده، نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی را ایفا می‌کنند که اگر به وظایف الهی و دینی خود با عشق و محبت عمل کنند، می‌توانند موجبات رشد و کمال خانواده را فراهم نمایند و اگر خدای‌ناکرده از وظایف الهی و دینی غفلت ورزند، موجبات تزلزل و سستی

گاهی ممکن است شیطان در انعقاد نطفه، مشارکت داشته باشد که نتیجه‌ی آن بی‌حیایی فرزند است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس از آنچه خود درباره‌ی دیگران بگوید و دیگران درباره‌ی وی گویند، باکی نداشته باشد که شیطان در سرشت او دست داشته است و کسی که از دیدار مردم در حال گناه باک نداشته باشد که شیطان در سرشت او دست داشته است.»^۱ چه نیکو و پسندیده است خانواده‌های طلاب و مبلغان دینی به رعایت نکاتی که برای انعقاد نطفه در اسلام به آن سفارش شده، دقت نمایند تا بتوانند در آینده، فرزندان خود را باحیا و بر اساس دستورات اسلامی تربیت کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: پدر کشاورز است و مادر کشتزار است؛ «**نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ**»؛^۲ زنان شما کشتزار شما هستند.» شما در زنان

از این رو در این یادداشت، به شیوه‌های شکل‌گیری حیا در فرزندان می‌پردازیم.

الف) قبل از اقدام به بارداری؛

برای داشتن فرزندی باحیا، نه‌تنها هنگام بارداری، بلکه قبل از تولد و حتی قبل از ازدواج باید به این نکته توجه کرد که یکی از عوامل باحیا شدن فرزند، ازدواج پاک است؛ ازدواج با همسری که خود دارای فضایل حیا و ادب باشد، در شکل‌گیری حیای فرزندان، نقش مهمی ایفا خواهد کرد. پس دقت در ازدواج از امور مهم تربیت فرزند تلقی می‌شود. برعکس فرزندی که از راه مشروع متولد شود و فرزندی که نطفه‌اش در حال ناپاکی مادر منعقد شده باشد، بی‌حیامی شود.^۳ پیامبر

صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کسی که از آنچه می‌گوید و درباره‌ی او گفته می‌شود، شرم نکند، یا زن‌زاده است و یا مادرش در حال ناپاکی باردار شده است.»^۳

بی‌طهارت باشد. زن باید تلاش کند تا از مزرعه‌ی خویش «شجره‌ی طیبه» تحویل اجتماع دهد، شجره‌ای که میوه دهد و همگان بتوانند از آن استفاده کنند.^۶

ب) دوران بارداری؛

دوران بارداری دورانی با اهمیت بالا و بسیار حساس است. ریشه‌های حیا و بی‌حیایی را در این مرحله می‌توان پیدا کرد. رعایت حیا از جانب مادر، تأثیر زیادی بر جنین خواهد داشت. بی‌حیایی در گفتار و ارتباط با نامحرم، شرکت در مجالس لهو و لعب، گوش دادن به موسیقی‌های حرام، دیدن فیلم و تصاویر محرک جنسی، خواندن رمان‌های جنسی، و کارهایی از این قبیل می‌تواند تأثیرات منفی بر حیا جنین داشته باشد و برعکس حیا در گفتار

خود بذرافشانی می‌کنید، همان‌گونه که کشاورز مراقب بذرهایش هست تا خراب نشود، مرد باید بیشتر از آن، مواظب همسرش باشد و زن هم باید با دقت و ظرافت حواس خود را جمع کند تا از بذری که افشانده شده، خوب نگهداری کند و آن را به وجه احسن پرورش دهد، تا جایی که فرموده‌اند: در این مدت زن نباید بددهن باشد، دروغ بگوید، سوءظن داشته باشد و



اگر محیط زندگی کودک سالم و طبیعی باشد، بلوغ کودک مناسب با رشد و امکانات جسمی او امکان‌پذیر خواهد شد. اما اگر شرایط و محیط زندگی کودک آرام نباشد و کودک از نظر جنسی تحریک شود؛ بلوغ زودرس خواهد داشت و به انحراف کشیده خواهد شد.



امروزه در دنیای متمدن‌نمای شرق و غرب، همه‌جا صحنه‌های تحریک‌کننده، مشاهده می‌شود و کودکان از همان قدم اول به فساد و تباهی کشیده می‌شوند. در مکتب تربیتی و انسان‌ساز اسلام،

و رفتار، شرکت در جلسات مذهبی، روضه و اشک بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، خواندن یا گوش کردن به قرآن و مناجات، ذکر خدا بر لب داشتن، مطالعه کتاب‌های مذهبی و سودمند، در حیای جنین نقش مثبتی ایفا می‌کند.^۷

ج) بعد از تولد؛

اسلام پس از تولد فرزند سفارش‌های متعددی پیرامون تقویت حیا و عفاف و کم کردن زمینه‌های تحریک جنسی فرزندان به والدین کرده است، که برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱) در امور جنسی فرزندان، احتیاط‌های لازم

را داشته باشیم

غریز و شهوات حیوانی در همه‌ی انسان‌ها حتی کودکان به صورت نهفته وجود دارد که بعد از رسیدن کودک به سن بلوغ، به تدریج آشکار می‌شود.

یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام
ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و
دیگر پس از نماز خفتن، که این سه
وقت هنگام عورت و خلوت شماست
(اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید).^۹

یکی از مصداق‌های این آیه، ممنوعیت
حضور کودکان در بستر والدین است؛
زیرا اگر اجازه گرفتن برای نهی از دیدن
صحنه‌های خاص از طرف کودکان یا
مشاهده والدین درحالی‌که لباس آن‌ها
کنار رفته یا لباس مناسبی ندارند، واجب
باشد، طبیعتاً خوابیدن آن‌ها در کنار

احتیاط‌های لازم در امور جنسی کودکان
از طرف حضرات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام مطرح شده
است که لازم است همسران طلاب
بیشتر به آن اهمیت دهند از جمله:^۸

● جداسازی محل خواب کودک

خداوند چه زیبا در آیه ۵۸ سوره‌ی
مبارکه نور فرموده: «ای کسانی که ایمان
آورده‌اید (بدانید که) بندگان ملکی شما
و اطفالتان که هنوز به وقت احتلام و
زمان بلوغ نرسیده‌اند باید (شبانه‌روزی)
سه مرتبه از شما اجازه‌ی ورود بخواهند:



این کار، اقدامی ایمنی بخش است که حیا و عفاف آنان را حفظ می‌کند و از بعضی از حوادث غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری می‌شود.^{۱۱} پیامبر فرزانه اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این مورد می‌فرماید: «الصَّيِّ وَالصَّيِّ، وَالصَّيِّ وَالصَّيِّئَةُ، وَالصَّيِّئَةُ وَالصَّيِّئَةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ؛ در ده‌سالگی میان بستر پسرها، دخترها و پسرها، و دخترها فاصله انداخته می‌شود.»^{۱۲}

والدین صحیح نیست. والدین باید به این امر مهم توجه کنند که بستر کودکان را از سنی که قادر به اجازه گرفتن برای ورود به اتاق هستند؛ جدا کنند و کودکان را در اتاق جداگانه‌ای بخوابانند.^{۱۳} پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ؛ در سن هفت‌سالگی میان بستر کودکان فاصله بیندازید»^{۱۴} بلکه می‌فرماید از سن مشخصی محل خواب دختر از پسر و پسر از دختر هم باید از هم جدا باشد،

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، سیده مرضیه علوی، انتشارات هاجر، قم، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۹۳.
۲. پژوهشی در فرهنگ حیا، عباس پسندیده، انتشارات دارالحدیث قم، چاپ پنجم ۱۳۸۵، ص ۸۲.
۳. «من لم یستح فیما قال، أو قیل له فهُوَ لَغیر رَشِدٍ، أو حَمَلَتْ بهِ أُمُّهُ عَلٰی غَیْرِ ظَهْرِی؛ اسدالغابه، عزالدین ابن‌الاثیر، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۶۴۳.
۴. الخصال، الشیخ الصدوق، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ اول، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱۶.
۵. بقره/۲۲۳.
۶. شرح مراتب طهارت، استاد صمدی‌آملی، انتشارات نورالدین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵.
۷. پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۸۳.
۸. جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، صص ۹۵-۹۶.
۹. نور، ۵۸.
۱۰. همان.
۱۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بی‌نا، بی‌جا، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۶.
۱۲. پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۸۴.
۱۳. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۶.



حاج آقای مشکل گشا ۳

آکریلیک یا ژلیش؟!

محمدحسن شهبازی - دانش پژوه سطح ۳ تخصصی تبلیغ

میدونستن، بچه‌ها رو از اطرافم دور کردن و متوجه‌شون کردن که فعلاً نمی‌تونم مثل قبل باهاشون بازی کنم و خوش‌وبش داشته‌باشم.

صدیقه‌صامتی که چند وقت پیش جشن ازدواجش بود رو دیدم، مستقیم اومد سراغم و بعد از کلی حال و احوال و تشکر بابت زحمات حاج‌آقا نسبت به مسائل محله و مسئله‌ی شخصی‌شون که حل شد، کنارم نشست. مشخص بود که می‌خواد سؤال بپرسه و دنبال موقعیت مناسبی هست؛ خودم ازش خواستم بعد

چند وقتی همیشه به خاطر شرایط خاصی که برام به وجود اومده نتونستم برم مسجد محله! به لطف خدا الان فرزند پنجمم آقا محسن رو ۷ ماهه باردارم؛ ولی واقعاً دلم برای بچه‌های مسجد و دوستان مسجدی تنگ‌شده؛ با اجازه و مشورت همسرم (حاج‌آقای‌صالح‌پرور) رفتم مسجد. به محض ورودم به مسجد دختر بچه‌های شش‌ساله و هفت‌ساله و بزرگ‌تر با چادر نمازی‌های زیباشون با کلی جیغ و سر صدا اطرافم رو گرفتن، ولی خوب فوراً خانم‌ها که نامساعد بودن حالم رو

از نماز بیاد خونمون. بنده‌ی خدا فوراً درخواستم رو قبول کرد.
یک آن متوجه مسئله‌ای شدم که یقین کردم صدیقه خانم
حکم شرعی‌اش رونمی‌دونه!

یکی از نکات مهم بیان احکام که حاج‌آقای صالح پرور به اون
تأکیددارند اینه که اولاً؛ نسبت به اصل حکم آگاهی کامل
داشته باشیم و دوماً؛ نحوه‌ی برخورد ما هیجانی و زننده
نباشه. من هم همون لحظه، اصل حکم شرعی رو به‌وسیله‌ی
پیامک از حاج‌آقا پرسیدم و ایشون هم جواب رو به‌صورت
کامل برام فرستادند.

هرچند خودم از قبل مطالعاتی در این زمینه داشتم ولی جواب
حاج‌آقا این رو تکمیل کرد.

در مسیر برگشت به منزلمون سر بحث رو باهانش باز کردم
و بهش گفتم:

ناخن‌های مصنوعی‌ات خیلی زیباس آکرلیک هست؟
یاژلیش؟

ماشالله خوب از مدل‌های مختلف کاشت ناخن اطلاع
دارید! این مدلی که من کاشتم آکرلیک هست از شب
عروسی‌ام تا الان کاشتم و خیلی طبیعی نشون میده
تنها کسی که متوجه شده شما بودید! این بنده خدا
خیلی خوب کارش رو بلده، اتفاقاً تتوهای زیبایی هم

هدف بیشتر خانم‌هایی که کاشت ناخن انجام می‌دهند، زیباتر شدن دستانشان هست، اما واقعیت اینه که به دنبال کاشت ناخن سطح ناخن نازک‌تر میشه و به محض برداشتن ناخن مصنوعی گاهی ناخن آسیب می‌بینه، حتی زیاد موندنش باعث قارچ پوستی و عفونت میشه. صدیقه خانم این حرفم رو تأیید کرد که واقعاً هر دفعه باید رفت ترمیم و هزینه و تکرار این کار خسته‌کننده هست.

اما نکته‌ی مهم اینه که؛

کاشت ناخن مصنوعی به خودی خود برای خانم‌ها اشکال شرعی نداره و فقط اگه زینت هست باید از نامحرم پوشانده بشه. اما برای وضو و غسل حتماً باید مانع برطرف بشه و بعضی از ناخن مصنوعی‌ها برطرف کردنش مشقت میاره. حالا اگه واقعاً مشقت و

میزنه، ولی خب همسرم اجازه نداد که تتو بزدم و گفتم با تتو و خال کوبی وضو و غسلت باطل هست، منم بی‌خیالش شدم...
دیگه نوبت من بود که صدیقه خانم رو نسبت به حکم شرعی این مسئله آگاه کنم. صدیقه خانم چند وقته که از جشن ازدواجتون می‌گذره؟

تقریباً ۳ ماه.

یعنی از همون موقع تا الان این ناخن‌ها رو داری؟

آره، مگه اشکال داره؟!

نه، داشتن ناخن مصنوعی اصلاً اشکالی

نداره!! ولی خب یه سری نکات جالبی نسبت به ناخن مصنوعی هست که خودمم تازه دیدم و برام جذاب بود که بد نیست شما هم بدونید، البته اگه دوست داشته باشید؟؟

بله، باکمال میل، اتفاقاً بیشتر مشتاق

شدم بدونم...

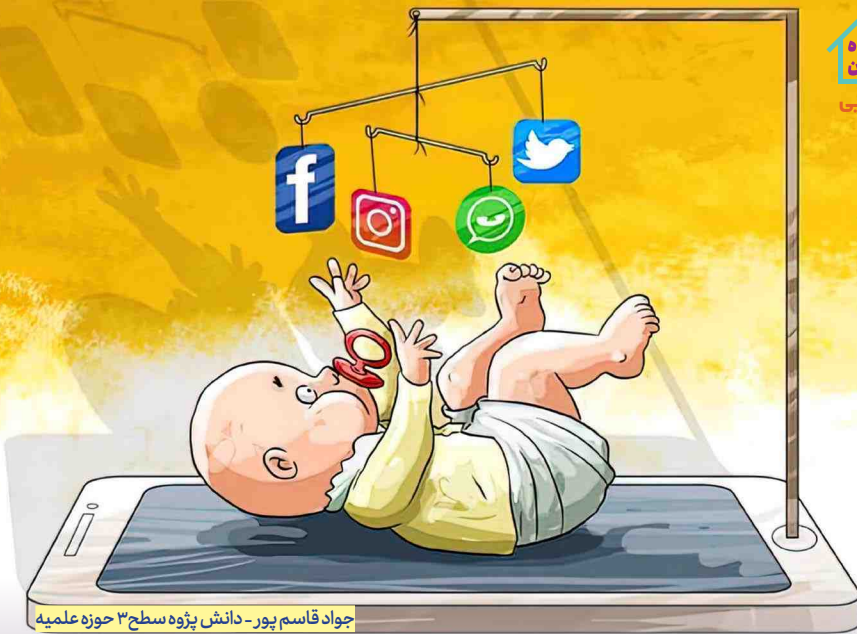


سختیش طوری که اصلاً نشه اون مانع برطرف بشه باید وضو و غسل جبیره‌ای انجام بده،^۴ البته اگه فرصت برطرف کردنش داشته باشه و مشقت آن چنانی هم نداشته باشه و برطرف نکنه، وضو و غسلش باطله.^۵

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. جهت مطالعه ماجرای ازدواج به شماره ششم ماهنامه خانواده‌مبلغان مراجعه کنید.
۲. مضرات کاشت ناخن اکریلیک: سوهان کشیدن بیش از حد روی ناخن سطح آن را نازک کرده و باعث آسیب زدن به ناخن می‌شود، در این روش از مواد شیمیایی زیادی استفاده می‌شود که برای ریه بسیار خطرناک بوده و قرار دادن نامناسب و همچنین عدم نگهداری درست ناخن‌های اکریلیک می‌تواند باعث ایجاد قارچ‌هایی شود که مبارزه با آن‌ها دشوار است. همچنین برای حذف و از بین بردن ناخن مصنوعی اکریلیک به حلال‌های قوی نیاز است که آن هم بسیار مضر می‌باشد. [۷۴۰۹/https://vaghtemod.ir/](https://vaghtemod.ir/۷۴۰۹/)
۳. مضرات کاشت ناخن ژلیش: ناخن‌های ژلیش، دوام کمتری نسبت به ناخن اکریلیک دارند (حدوداً ۲ هفته). همچنین قرار گرفتن افراد در معرض اشعه ماوراءبنفش (برای خشک شدن مواد ناخن ژلیش) برای سلامتی آن‌ها مشکلاتی همراه دارد. برای از بین بردن آن‌ها از استون استفاده می‌شود که قطعاً مضر است.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: [۲۵۰۷۴/https://www.leader.ir/fa/content/](https://www.leader.ir/fa/content/۲۵۰۷۴/)
۵. همان.
۶. توضیح المسائل مراجع (۱۳ مرجع)، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۵.

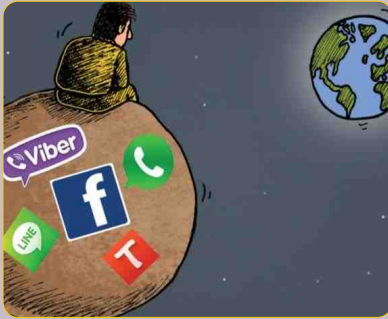


جواد قاسم پور - دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه

تأثیر فضای مجازی بر تربیت فرزندان

هوشمندانه مراقب باشیم چه محتوایی مناسب و کدام مواد، برای فرزندان مضر است! ازابین رو آشنایی با آسیب‌های فضای مجازی و راه‌های مقابله با آن برای خانواده‌های محترم طلاب و مبلغان، امری ضروری است تا علاوه بر مدیریت زندگی خویش و تربیت فرزندان، مخاطبان و مراجعین خود را نیز آگاه سازند. در نوشتار حاضر به بیان آسیب‌های فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن، می‌پردازیم.

همان‌گونه که برای زنده ماندن و تقویت جسم به خوردن و آشامیدن نیاز داریم و هر چیز را نباید مصرف کرد بلکه از قبل، درباره‌ی فواید و ضررهای هر خوراکی اطلاعاتی به دست می‌آوریم و بسته به سن و وضعیت جسمانی، خصوصیتی مانند قند، چربی و... را برای استفاده از مواد غذایی در نظر می‌گیریم، به همین ترتیب فضای مجازی هم مثل یک رژیم غذایی برای کودک بوده که لازم است



۲ بی میلی به ارتباط حضوری؛

وقتی دو نفر یکدیگر را می بینند روح و جسم آنها باهم ارتباط برقرار می کند حتی اگر این ملاقات مجازی باشد. مثل زمانی که انسان شخصیت محبوب خود را در فضای مجازی می بیند و صرفاً احساس خوشحالی می کند؛ اما این احساس و هیجان در فضای حقیقی نوع دیگری بروز پیدا می کند. همان طور که گاهی از خوشحالی فریاد می زنیم. در واقع این تلاقی دور روح در فضای حقیقی است که با فضای مجازی تفاوت دارد. به همین دلیل است که اگر کودک با چت کردن با دیگران گفتگو کرد،

آسیب های فضای مجازی:

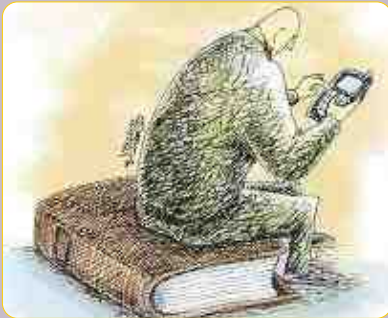


۱ بی تحرکی؛

در دنیای امروز اغلب، فضای مجازی به فرزندانمان توهم پرکاری می دهد. در روزگاری نه چندان دور، یک جوان روی زمین اسب نشسته و به دنبال کار و فعالیت و واقعاً پویا بود؛ ولی امروزه، کودک را روی زمین مصنوعی ثابت می نشانند و او به خیال اینکه اسبش در حال حرکت است خوشحال بوده، اما بعد از مدتی باز بی حوصله می شود. پس این تخیلی بیش نیست و جان کلام اینکه تحرک خیالی، به تدریج جایگزین تحرک حقیقی می شود و این مشکل را عمدتاً فضاهای مجازی ایجاد کرده است.^۲

به جای اینکه از همان دوران کودکی، فرد را به انسانی اهل فکر و تحلیل‌گر تربیت کند به انباری پرحجم از داده‌های خام و بی‌نتیجه تبدیل خواهد کرد چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به این گروه می‌فرماید: «روایتگران و نقل‌کنندگان علم بسیار زیاد هستند ولی رعایت کنندگان آن کم.»^۳

احساس می‌کند که این عمل جایگزین دیدار حضوری است؛ ولی بعد از قطع ارتباط، انرژی لازم را کسب نمی‌کند. امروزه افراد، حتی زمانی که در کنار هم و در مهمانی‌ها قرار دارند به جای حضور در جمع، در حال وقت‌گذرانی با گوشی هستند و این باعث کاهش ارتباط چهره‌به‌چهره شده و در اعضای خانواده و کودک باعث جدایی عاطفی می‌شود.



۴ بی‌میلی به مطالعه؛

مطالعه در فضای آرام و با کتابی که در دست کودکان است، حس تفکر را در ما برمی‌انگیزد؛ در حالی که مطالعه در فضای مجازی جسته‌گریخته، قابل تأمل است.

۳ غرق شدن در اقیانوس داده‌ها؛

فضای مجازی با انبوهی از یافته‌ها، تبلیغات، دعوت‌ها، عرضه‌ها و... کودک را زیر رگبار داده‌های خود گرفته و آنگاه

هنگام مراجعه به فضای مجازی مشغول بررسی مطالب آن‌ها شویم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «ما من حركة إلا و أنت محتاج فيها إلى معرفة؛ هیچ حرکتی نیست مگر اینکه در آن نیاز به معرفت و شناخت داری.»^۵

همان‌طور که مردم برای سفر به نقشه نیاز دارند، سفر درون دنیای مجازی هم این‌گونه است که اتفاقاً فضایی ناشناخته برای کودکان است و معرفتی جامع نیاز دارد و لوازم حرکت را بایستی برای رفتن او به این فضا تهیه کرد.



۲ استفاده‌ی بهینه از زمان؛

قطار زمان هیچ منزلگاهی جز ایستگاه آخرت ندارد و برای هیچ‌کس متوقف

کودکان را باید با اندیشه و فکر بزرگ کرد، نه بی‌فکر و رها. روشن است که خاصیت پرداختن به فضای مجازی به صورت پیگیر و عاشقانه و زیاد است و اجازه‌ی مطالعه و باخود بودن را به شخص نمی‌دهند.^۴

راهکارهای مقابله



۱ استفاده‌ی هدفمند از فضای مجازی؛

بنا به حکم عقل و شرع هر بار اتصال به فضای مجازی بایستی باهدفی معقول و مشخص باشد هرچند گاه‌وبیگاه انسان را به حوزه‌های ناخواسته می‌کشاند. به‌طورمثال یک موضوع کاربردی و موردنیاز جهت مطالعه و تحقیق انتخاب کنیم، یا در کانال‌های آموزشی و مهارتی عضو شده و در

نخواهد شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «الْفُرْصَةُ تَمُوتُ مَعَ السَّحَابِ؛ یعنی فرصت‌ها مانند ابر می‌گذرند (و از دست می‌روند).»^۶

پس مدت‌زمانی که کودکمان در فضای مجازی است، باید معقول و در مقایسه با فضای حقیقی کمتر باشد. باید در نظر داشت هر فعالیتی در فضای مجازی زمان خاصی را می‌طلبد چنانچه عقل، تجربه و دانش، اوقات شبانه‌روز و میزان فعالیت مغزی کودک، در کارهای

۳ مراقبت از سلامت جسمی و روحی؛
حضور در فضای مجازی برخی اعضای بدن به‌ویژه چشم و مغز و اعصاب را درگیر کرده و افراد مأنوس با این فضا تحرک کمتری دارند. لذا برای حفظ سلامت جسم و روح لازم است ورزش‌هایی انجام دهیم از جمله برخیزیم، کمی راه برویم و نوشیدنی بنوشیم.



۱۴ حضور هوشمندانه؛

فیلتر شدن محتوای نامناسب،^۷ پرهیز از رها کردن فرزندان با وسایل ارتباطی در اتاقی دربسته و بدون نظارت و... پس لازم است با نظارت مستمر و آموزش‌های لازم به فرزندانمان آن‌ها را از آسیب‌ها و خطرات احتمالی در این فضا آگاه کنیم.



برای مطالعه بیشتر:

▶ آسیب‌های فضای مجازی، علی‌محمد رجبی، انتشارات پشتیبان ۱۳۹۸.

وقتی غواص شجاع را به اعماق دریا می‌فرستند، او را به چند وسیله مجهز می‌کنند، قفس آهنی که از شر حیواناتی مثل کوسه در امان باشد، طناب که با آن به کشتی وصل می‌شود و کپسول اکسیژن و... که در این اقیانوس بی‌کران سیر و جستجو کند. حال ما والدین کودکان را چگونه و با چه ابزار ایمنی از صبح تا شب در فضای مجازی رها کنیم؟ این کار هم لوازم خودش را دارد از جمله اعمال محدودیت‌های نرم‌افزاری در موتورهای جستجو مثل گوگل برای

پی‌نوشت

۱. مهارت‌های مدیریت رسانه در خانواده، آمنه بختیاری، انتشارات مهرستان، اصفهان ۱۳۷۷، ص ۲۵.
۲. مهارت‌های زیست اخلاقی در فضای مجازی، علی رهبر، انتشارات مهرستان، اصفهان ۱۳۹۷، صص ۳۵-۵۳.
۳. «فَإِنَّ زُؤَادَةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ زِعَاتُهُ قَلِيلٌ»؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۸.
۴. مهارت‌های زیست اخلاقی در فضای مجازی، صص ۳۵-۵۳.
۵. مستدرک وسائل الشیعه، محدث نوری، انتشارات موسسه آل البيت علیه السلام، بیروت ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۶۷.
۶. نهج البلاغه، حکمت ۲۰.
۷. جهت آشنایی با محدود کردن محتوا نامناسب برای کودکان در اینترنت رک: <https://www.aparat.com/v/OXMEV>.

مقاومت با جان

مرضیه ساجدی فر - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

هر روز صبح وقتی از خانه خارج می‌شدیم مادرم مقنعه بلندمشکی چانه‌دارش و چادرمشکی کش‌دارش را سر می‌کرد و به من هم تأکید می‌کرد تا چادرم را سر کنم. مادر اعتقاد داشتند، با اینکه هنوز به تکلیف نرسیده‌ام، به خاطر احترام به مسجد بهتر است که با چادر بیایم و من خوشحال از پوشیدن چادر سفید گل‌گلی‌ای که مادر برایم دوخته بود به دنبالش راه می‌افتادم. سوله‌ی بزرگ پشت مسجد مثل هر روز میزبان مراسم دعای توسل بانوان باقی‌مانده در شهر بود. خانم امینی توصیه‌های هر روز را برای بانوان دوباره تکرار می‌کرد. هر روز صبح بانوانی که مردان‌شان در جنگ بودند برای امدادسانی به مسجد می‌آمدند و در گروه‌های جداگانه‌ای مشغول به کار می‌شدند. خانم امینی مسئول کمیته‌ی تدارکات مسجد صاحب‌الزمان شده بود، تا کارها را سامان دهد.





گروه دوم، مسئول پخت و پز غذا برای رزمنده‌ها بود. مادرم و خاله فریده در این گروه مشغول بودند.



گروه سوم پشت چرخ خیاطی می‌نشستند و برای رزمنده‌ها لباس می‌دوختند. دوختن شلوار کردی، لباس‌های سبز و خاکی رنگ رزم و تعمیر وسایل رزمندگان کار روزانه این گروه بود. یادم می‌آید که در روزهای سرد زمستان برادر امیدی برایشان یک لباس‌های عجیبی می‌آورد. خاله فریده می‌گفت لباس و ماسک شیمیایی



گروه اول در حیاط اصلی مسجد مشغول شستن پتوهای خونی که از خط مقدم آورده می‌شد، بودند. ام‌حسن زن سیه چرده‌ی قد بلند فعال این گروه بود. بارها به چشم دیده بودم که وقتی جوراب رنگ و رورفته‌ی مشکی‌اش را روی شلوار می‌کشید تا پا درون چکمه‌های بزرگتر از پایش کند، بسم‌الله‌گویان با گوشه‌ی روسری مشکی‌اش قطرات اشکش را پاک می‌کرد. ام‌حسن دو پسرش را همان روزهای اول محاصره خرمشهر از دست داده بود. دیروز به مادرم می‌گفت هر بار که پتوها را لگد می‌کنم و چشمم به جوی خون جاری از لگن‌ها می‌افتد، فکر می‌کنم جگر عباس و عبدالله زیر پاهایم له می‌شود.

مشغولیت‌ها هم به من انرژی مثبت می‌داد و هم باعث کاهش غم و دوری پدر می‌شد.

پدر اکثر روزها منزل نبودند و من با مادر و خواهرم که دو سال از من کوچکتر بود، تقریباً تنها زندگی می‌کردیم. وضعیت تمام همسایه‌ها همین‌طور بود. خانه‌هایی بدون مرد با بچه‌های قد و نیم‌قد.



وقتی کار جنگ در شهر بالا می‌گرفت و وضعیت قرمز می‌شد تمام این زن و بچه، هراسان تا چند ساعت مجبور بودیم به پناهگاه‌های تاریک و نور فرار کنیم و جیک نزدیک این وقت‌ها بدترین ساعات عمرم بود چون وقتی از پناهگاه خارج می‌شدیم نمی‌دانستیم هنوز خانه‌ای برایمان باقی‌مانده یا با موشک باران


است. مادر گه‌گاه در این گروه هم سوزن می‌زدند. دوختن لباس‌های شیمیایی در هوای سرد کار سختی بود؛ شب‌ها که به خانه بر می‌گشتیم، می‌دیدم لباس‌ها دست‌هایشان را بریده و از سرانگشتان مادرم خون می‌آید.



گروه چهارم که اکثراً از خواهران سپاهی بودند مسئولیت تمیز کردن و نگهداری اسلحه‌ها را به عهده داشتند.

من و ریحانه و اسما عاشق گروه آخر بودیم که مسئول آماده‌کردن بسته‌های خشک برای رزمندگان بودند. کمک‌های مردمی که از سراسر کشور می‌آمد در این گروه بسته‌بندی می‌شد. برای کمک داخل حسینیه‌ی مسجد جمع می‌شدیم و تنقلات را بسته‌بندی می‌کردیم. این

آژیر وضعیت قرمز را بشنوند. اما آن شب انگار صدا را نمی‌شنیدند. من پشت در حمام رفتم و مادرم را صدا زدم. مادر تا صدای من را شنیدند، با بدنی کف‌خورده و موهایی آغشته به شامپو بدون آب‌کشی به سرعت از حمام خارج شدند و لباس پوشیدند. نمی‌دانم چطور با موهایی کف زده و بدنی نوچ شده با آن سرعت لباس به تن کردند. صدای مادر هنوز در گوشم طنین انداز است که فریادمی‌زدند:

 مرضیه بَدو، فقط بَدو.

مادرم مجبور بود، خواهرم را بغل کند چرا که او، هنوز نمی‌توانست درست راه برود و من باید تمام قدرتم را در پاهایم جمع می‌کردم تا خودم را نجات بدهم. از در حمام خانه تا خروجی منزل ۲۰ قدم هم فاصله نبود تا این فاصله کوتاه را طی کنیم، اتفاقی که نباید بیفتد رخ داد. هواپیماهای دشمن بعضی شهر را بمباران کردند و موشکی در نزدیکی منزل ما فرود آمد. ناگهان تمام

هواپیماها تخریب شده؟! اما از ساعتی که یکی از خانواده‌ها در پناهگاه حاضر نمی‌شد. اوضاع حسابی به هم می‌ریخت. یادم می‌آید یک روز مادر تا دیر وقت خیاطی کرد، من با خواهرم مشغول خاله‌بازی بودیم. مادر از من خواستند تا سفره‌ی شام را پهن کنم و خودشان برای استحمام رفتند. آن موقع‌ها آب مدام قطع می‌شد، وقتی آب داشتیم باید شست‌وشو و استحمام را به سرعت انجام می‌دادیم. من طبق معمول به آشپزخانه رفتم و چارپایه‌ی کوتاهی که برای دسترسی به دستگیره‌ی کابینت‌ها و شیر آب داشتم را زیر پایم گذاشتم. همین‌طور که چارپایه را دنبال خودم به قسمت‌های مختلف آشپزخانه می‌بردم و وسایل سفره را می‌چیدم، رادیو کوچک قهوه‌ای رنگ روی طاقچه که همیشه روشن بود، اعلام وضعیت قرمز کرد. مادر همیشه قبل از اینکه داخل حمام شود، صدای رادیو را زیاد می‌کرد تا

بود. این‌جا سخت‌ترین قسمت کار بود. زنان قوی و محکم روزهای مسجد در این شب‌های تاریکِ خرمشهر برای تنهایی خودشان و پَرپر شدن مردان‌شان مرثیه می‌سرودند و کسی تاب همراهی نکردن نداشت. چه‌بسا که تنها مایه‌ی آرامش، لطف و رحمت الهی بود و بس.

﴿لَا تَحْزَنْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَ﴾

مترس و غمگین مباش، قطعاً ما نجات دهنده تو و خانواده‌ات هستیم

آن موشک‌باران، پدر امین، همسایه چهارم کوی دوم را از ما گرفت. پدرِ اسما، هم به شدت زخمی شده بود. فردای حمله عراق و موشک‌باران شهر ماشین‌هایی از سپاه داخل منازل مسکونی شدند و تک‌تک خانواده‌های شهدای شب قبل را با خود بردند. آنان در غمگین‌ترین حالت ممکن وسایل

پنجره‌های شیشه‌ای منزل فرو ریخت و موج انفجار من را چند متر پرتاب کرد. بعد از خرد شدن شیشه‌ها چیزی را به خاطر نمی‌آورم. اما مادرم...! می‌گفتند خاله فریده، همسایه‌ی روبه‌روی ما وقتی داخل پناهگاه رفته بود و ما را ندیده بود، دلش طاقت نیاورده دوباره بر می‌گردد و وقتی وارد خانه می‌شود، می‌بیند که مادرم با دو بچه کوچک، بین آن همه شیشه‌ی خرد شده تنها مانده و نمی‌تواند هردوی ما را با هم بلند کند. آن شب با زحمت به پناهگاه رفتیم و تا نیمه شب همان‌جا ماندیم. اولین جایی که بی‌تابی مادرم را دیدم همان‌جا بود. با صدای هق‌هق بلند گریه می‌کرد و تمام زنان پناهگاه همراهی‌اش می‌کردند. ما بچه‌ها هم گریه خیلی عمق ماجرا را درک نمی‌کردیم اما اشک‌مان بند نمی‌آمد. سوزش اشک‌های مادرم روی قلبم در آن شب ظلمانی از درد پرت شدن روی آن همه شیشه‌ی خرد شده بیشتر

نزند. عمو عماد وقتی حالش بهتر می‌شد مدام از، مادر اسما عذرخواهی می‌کرد و جای فشار انگشتانش بر روی دست‌های خاله زهرا که حالا کیبود و قرمز شده بود را نوازش می‌کرد. اما خاله زهرا حتی یک‌بار هم ناراحت نبود و همیشه با خنده به عمو دل‌داری می‌داد و برای من و اسما بستنی یخی درست می‌کرد. آری بازیگرِ این بازی، زنانی بودند که نور امید در دل‌هاشان خاموش نشد و محکم پای مردانگی مردان‌شان ایستادند تا شهر آزاد شود.


و این‌گونه بود که وقتی پیام پیرِ خمین از بلندگوهای سبز مسجد پخش می‌شد که:

«خرمشهر را خدا آزاد کرد.»

عطر دل‌انگیزِ خدا باوری و وفاداری در جان میهن عزیزمان ایران پخش شد.

مختصری را که با پدر آورده بودند، حالا بدون پدر جمع می‌کردند و به شهرهای خود باز می‌گشتند. خانواده‌های دیگر هم در سکوتی خاموش درحالی‌که به همسایه‌ی دیروز و خانواده‌ی شهید امروز کمک می‌کردند تا وسایل را به ماشین منتقل کنند، در دل‌شان می‌گفتند کی نوبت ما خواهد شد؟؟

یادم می‌آید پدرِ اسما بعد از یک ماه به خانه برگشت اما مدام فریاد می‌زد:

 بچه‌ها رو قیچی کردند. عباس مهمات نداریم به حاجی بگو به همون مهمات برسونه...

من و اسما، پشت دیوار سیمانی کنار حیاط پنهان می‌شدیم و از آن‌جا حرکات عمو عماد را خیره نگاه می‌کردیم. او گاهی فریاد می‌زد و گاهی بلند بلند گریه می‌کرد و در تمام این مدت مادر اسما، دست‌های مرد تنومندش را با دستان ظریف و زنانه‌اش محکم نگه می‌داشت تا به خودش آسیبی



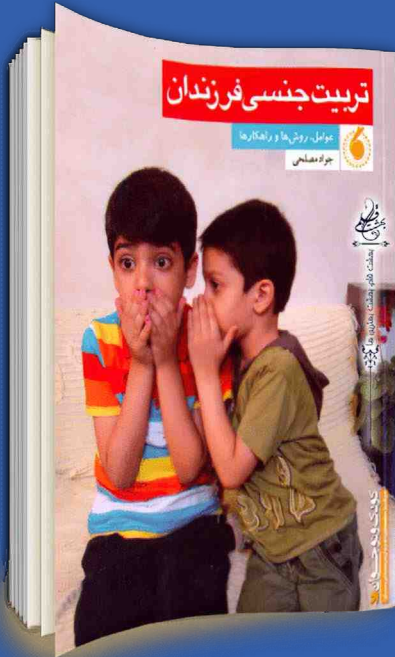
پی‌نوشت

۱. عنکبوت/۳۳.

چی! خونیم؟

الهام آقا جانی - کارشناس علوم قرآن و حدیث

تربیت جنسی فرزندان: عوامل، روش‌ها و راهکارها



معرفی کتاب «تربیت جنسی فرزندان: عوامل،

روش‌ها و راهکارها» و برگزیده‌ای از متن کتاب

کتاب «تربیت جنسی فرزندان: عوامل،

روش‌ها و راهکارها» به بیان عوامل

و روش‌های تربیت جنسی کودکان

و نوجوانان و ارائه‌ی راهکارها در این

زمینه می‌پردازد.^۱

پایه‌ی شخصیت یک نوجوان در دوران

کودکی او شکل می‌گیرد و یکی از ابعاد

مهم تربیتی، تربیت جنسی فرزندان است

که بسیار حائز اهمیت است. در این

میان اقدامات مناسب و به‌موقع در این

زمینه که شامل: آگاهی و شناخت کافی،

به‌کارگیری شیوه‌های مفید برای ایجاد

غیرقابل اغماض در این زمینه را روشن می‌کند. نویسنده در ادامه با تقسیم‌بندی بحث ذیل عوامل مهمی چون خانواده، اجتماع، محیط، جسم و روان، توضیحات ارزشمندی را برای هر یک ذکر می‌کند. سپس شیوه‌های صحیح تربیتی اعم از شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم را بیان نموده و الزاماً شیوه‌های دوره‌ی کودکی را از دوره‌ی نوجوانی جدا نموده است. به‌طور مثال یکی از اقدامات اشاره شده در کتاب، برای دوره نوجوانی، تحصیل علم است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

با توجه به اینکه در دوره‌ی نوجوانی، نیازهای لطیف و هنری و حس زیبایی دوستی و قدرت‌نمایی اوج می‌گیرد، خوب است والدین با بیشترین بهره‌گیری از این فرصت، انرژی روانی حاصل از میل جنسی را به این‌سو سوق دهند. پدر و مادر می‌توانند با فرستادن نوجوانان به کلاس‌های هنری، باشگاه‌های ورزشی، یا

صفات سالم جنسی و برطرف نمودن صفات ناشایست جنسی است، که امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین آموزش‌دهی، مراقبت و رعایت اصول عملی از جمله عوامل تربیتی هستند که زمینه‌ی رشد سالم غریزه‌ی جنسی در کودک و نوجوان را فراهم می‌کنند؛ تربیتی که زمینه‌ساز رشد فردی و اجتماعی نوجوان در آینده خواهد بود.

محتوای کتاب:

کتاب «تربیت جنسی فرزندان: عوامل، روش‌ها و راهکارها» در ۹۶ صفحه، با رویکردی کارشناسی شده و با بهره‌گیری از علوم روانشناسی و دینی، به بیان عوامل مهم، روش‌ها و راهکارهای تربیت جنسی از کودکی تا نوجوانی می‌پردازد. مؤلف این کتاب ضمن ارائه‌ی تعریفی درست از تربیت جنسی، با توجه ضرورت بحث، آثار مطلوب تربیت درست جنسی و زیان‌های

بهتر از همه، کانون‌های فرهنگی و مساجد، تا حد بسیاری توجه آن‌ها را از امیال جنسی، به سوی امیال هنری، ورزشی و معنوی سوق دهند. یکی از بهترین کارهایی که والدین می‌توانند انجام دهند، تشویق نوجوانان به تحصیل علم است. با این کار علاوه بر تضمین آینده‌ی آن‌ها، دوره‌ی نوجوانی نیز با سلامت طی خواهد شد. البته والدین باید موقعیت تحصیل و آرامش روانی لازم را نیز در کنار تشویق به علم‌آموزی فراهم کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالِيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا؛ دوست ندارم یکی از جوانان شمارا جز در دو موقعیت ببینم: یا عالم و اندیشمند، یا در حال علم‌آموزی.»^۲

مناسبتی جهت درک موضوع در اختیار نداشته باشیم. کتاب پیش‌رو به دنبال ارائه‌ی بهترین، اصولی‌ترین و درعین‌حال ساده‌ترین راهکارهای دینی و روانشناسی، جهت جلوگیری از همه ابهامات ذهنی پیش‌روی ما در بحث تربیت جنسی فرزندانمان است. نیازی که به ویژه در عصر پیچیده‌ی حاضر، باید بیشتر بدان توجه کرد. در این میان توجه به بحث تقوا جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه به حیا می‌انجامد و حیا همچون تقوا سپری است محکم برای مبارزه با همه ترس‌ها و سرگشتگی‌ها؛ «الحیاء هُوَ الدِّینُ كُلُّهُ؛ حیا تمام دین است.»^۳



پی‌نوشت

۱. این کتاب در سال ۱۳۹۴، توسط جناب آقای جواد مصلحی و انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی عنه به چاپ رسیده و در اختیار دغدغه‌مندان این حوزه قرار گرفته است.
۲. امالی، محمد بن حسن طوسی، انتشارات دارالتحافه، قم ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱، ص ۳۰۳.
۳. کنز العمال، متقی هندی، انتشارات دارالکتب بیروت، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۵۶۱، ص ۵.

سخن آخر:

همیشه اولین تغییر و تحولات در زندگی با نوعی ترس از ابهامات و سرگشتگی‌ها همراه است؛ خصوصاً اگر راهنمای



قصه‌های من و مادربزرگ ۱

رها سلمانیان

مثل همیشه روی تخت چوبی کنار پنجره نشسته بود، زیر لب ذکر می‌گفت و برنج پاک می‌کرد. همیشه حس می‌کردم از اون بالا، احاطه‌ای عجیبی داره به اوضاع زندگیش. هرچی دو دوتا چهارتا می‌کردم جور در نمی‌اومد. بچه که بودم فهمیدم سواد خوندن و نوشتن نداره ولی باور نکردم. از همه‌مون بیشتر مبادی آداب بود.

از حلال و حروم و خدا و پیغمبر بگیر تا دو دوتا چهارتا‌های سیاسی و فکری‌های اقتصادی و مسائل اخلاقی و... می‌گفت یتیم بزرگ شده، توی شهرستان کوچک‌شون با چند تا خواهر و برادر بزرگتر از خودش و مادر با ایمانش. می‌گفت وقتی با آقا جون ازدواج کرده هردوشون هیچی نداشتن؛ اونم بچه یتیم بوده و می‌خواستن دوتایی باهیچی زندگی بسازن.

یهو سکوت کرد، یه سکوت معنادار و ناخودآگاه راستش رو گفت: ولی منوچهر یه چیز دیگه بود، از بارداری با بقیه فرق داشت، از بچگی خیلی با ایمان و مؤدب بود، خیلی احترام من و پدرش رو نگه می‌داشت؛ دخترای محله همه بهش چشم داشتن، از بس خوشگل و خوش تیپ بود هزار ماشاءالله، ولی بچم خیلی چشم پاک بود، تازه راضی شده بود براش بریم خواستگاری که...

مهم اینه که بچه‌ها ت محبت رو از توی خونه و از پدر و مادر دریافت کنن و چشمشون به دست و دهن مردم نباشه. می‌گفت بچه‌هاش رو با وضو شیر می‌داده، سر سفره‌ی امام حسین علیه السلام بزرگشون کرده. اینو یادمه یه روز که از شهادش پرسیدم، گفت برام. ازش پرسیدم تو بچه‌ها ت کدومشون خاطرش برات عزیزتره؟ اول طفره رفت و شروع کرد از تک تکشون تعریف کردن؛ کوچیکه که طلبه شد و الآن کسی شده برای خودش، مسعود پاسدار و جانبازه، دخترام خوشبخت شدن و عاقبت بخیر الحمدلله، پسر بزرگم قبل شهادتش تو شرکت هواپیمایی کار می‌کرد و سرش قسم می‌خوردن، فاطمه‌ام ۱۷ ساله بود که رفت، فرصت نشد عروسش کنم ولی خداییش خیلی باهوش و با استعداد بود، از هر انگشتش یه هنر می‌بارید.



محکم گوشه چشمش رو پاک می‌کرد،
مبادا کسی اشکاشو ببینه.



حتی وقتی بعد از ۱۷ سال که استخوان‌های
منوچهرش رو آوردن دم نزد، محکم و
استوار ایستاد و جلوی مردم اشک نریخت.
صبر، حرف اول و آخر روتوی زندگی‌ش می‌زد.
ته همه قصه‌ها و پند و نصیحت‌هاش
دعوت به صبر بود.

من فقط موندم این درس صبر را کی
بهش داد!

این اواخر به روش آوردم.

گفتم از کجا میاری این همه صبر رو؟

اصلاً از کی یاد گرفتی این مدلی زندگی

کردن رو؟

نگام کرد... هیچی نگفت... خندید...

ادامه دارد...

حرفش رو با به بغض سنگین قورت داد
و بحث رو عوض کرد. عکس روی دیوار
رو نشونم داد و گفت: از این عکس
خیلی جوون‌تر بود، هنوز پشت لبش
سبز نشده بود؛ یه روز بین دو نماز
اومد جلوم زانو زد، دستمو بوسید و با
کلی مقدمه چینی برام گفت از حاج آقای
مسجد شنیده که اونهایی که برای تلفظ
درست نماز مشکل دارن یا شک دارن
که نکنه به خاطر لهجه نتونن درست
حروف را ادا کنن، بهتره نمازهاشون رو به
جماعت و توی مسجد بخونن. می‌گفت
من با آقا جون حرف زدم تا اجازه بده
از این به بعد تا می‌تونم بری مسجد و
نمازهاش رو به جماعت بخونی.

دورش بگردم، روش نمی‌شد غلط نماز
رو بگیره، ولی نمی‌تونست نسبت به
نمازهای واجب بی‌تفاوت باشه، نگاهش
هنوز به عکس روی طاقچه بود، مثل
همیشه دزدکی با گوشه چارقد گلدارش

در سرزمین عجایب ۱

بختی که بسته شد

زینب رحیمی تالار پستی - دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

کردم. جلسه‌ی قرآن در خانه ما برگزار می‌شد. ناسلامتی خانم حاج آقا بودم و خیر سرم‌الگو!



علی که وسط راست و ریست کردن‌هایم چند بار جا به جا شده بود، وقتی بوی تخم مرغ نیمرو شده به دماغش خورد مثل مار سرش را بلند کرد. تنها راه بیدار کردنش همین بود. بعد از صبحانه، دوچرخه‌ی عهد قلقلک میرزایی که پا به پای آن سه تایی دیگر رفته بود را زیر پایش انداختم و به امید خدا راهی کوچه‌اش کردم. بچه که نباید در خانه

من: کوثر یک مادر جوان.

فرزندان من:

- احمد: ۱۴ ساله
- فاطمه: ۱۰ ساله
- زهرا: ۷ ساله
- علی: ۵ ساله

پدر بچه‌ها: هادی، مبلغ، مدت حضور در خانه ۶ ساعت؛ حضور موثر یک ساعت.

امروز من:

لقمه‌های هر کدام را بستم و دستشان دادم. بماند که چقدر سر این که هر کدام چه ببرند، قشقرق به پا شد.

رفتند و من ماندم و علی و طوفانی که آن سه تایی دیگر با پدرشان به پا کرده بودند.

علی کوچکم وسط همان شلوغی‌ها دوباره خوابیده بود. با یک بسم‌الله شروع کردم. دو ساعته کارها را راست و ریست و خانه ویران شده را ترگل و ورگل

بدود تا یکی به در بخورد و یکی به دیوار. به ما هم رسید و شریک دزد و رفیق
 خورش را که بار گذاشتم، یکی یکی سر قافله شدیم.
 و کله‌ی همسایه‌ها یعنی همسایه‌های ای خواهر، دختر بیچاره انگار بختشو
 مسجد محله پیدا شد. آنها که قرار درد بستن. من نمی‌گما! همه می‌گن. هر
 دل و پیچ کردن گذاشته بودند، زودتر کی میاد خواستگاریش پشیمون
 رسیدند و سرشان در گوش هم رفت تا خدا میشه. عیب و نقص که نداره؛ والا
 قسمت کند کی را به کی پیوند دهند و یا آدم سردر نمایاره کی بخت این بچه
 خدا قسمت نکند کی را چطور به فنا دهند. رو بسته.
 چای را دم کردم و دستی به پیراهن سمانه خانم پیچ پیچ می‌کرد و صدایش
 بلندی که تازه وقت کردم عوضش کنم، را نداشتیم. نمی‌دانم چه گفت که نیره
 کشیدم. همین که نشستیم، صدای نیره خانم کمی بالا رفت و از سفره غیبتشان
 از سفره پربارش به فیض غیبت رساند.



که فاتح‌هی طرف روبه‌رویش را خواندم.
انگشت در هوا چرخاند و آغاز جنگ
جهانی جدید رقم خورد.

ببین مثلاً همسایه، اگه یه بار دیگه
بشینی در مورد دختر من به
خواستگارش دروغ تحویل بدی،
حرمت همسایگی روندید می‌گیرم و
به همه هرچی ازت شنیدم می‌گم.

منتظر ماندم تا قفل زبان آن زن که کل
جلسه در و گهر می‌ریخت برای بغل
دستی‌هایش باز شود اما او گویا حتی
نفس هم نمی‌کشید. نگاهم را به زُهره
خانم دادم که به جای نیره خانم تند و
تند نفس می‌زد.

خلاصه اینکه چقدر بد شد که بخت
دختر زُهره خانم را بسته بودند؛ وگرنه
با بسته شدن دهان همسایه‌اش حتماً
سفید بخت می‌شد.

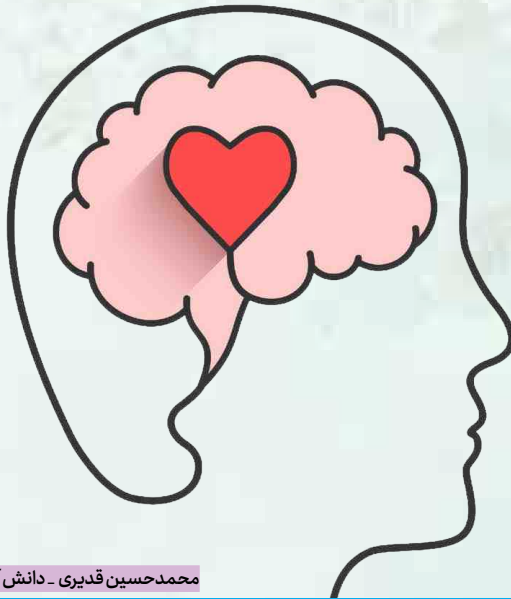
واژه چیز می‌گیا. ماه‌ها که بخت گره‌زدن
بلد نیستیم اهلش نیستیم. بین
کی باهاش دشمنی داشته. حیوونی

زُهره، آب شد به خاطر بچه‌ش.
در طول جلسه که یک ساعتی طول
کشید، نیره خانم فقط چند دقیقه‌ای
که نوبت قرآن خواندن به او رسید،
استراحت کرده بود. قیافه‌ی دو نفر
کناریش دیدنی بود. قشنگ ثوابشان
کباب شده بود. جلسه اومدن این زن
هم از عجایبی بود برای خودش!

صلوات‌های جمعی آخر جلسه را که
فرستادیم، از جا بلند شدم تا چای بیاورم؛
هنوز قدمی برنداشته بودم که سر و کله‌ی

زُهره خانم پیدا شد. انگار نسیه نفس
می‌کشید. با آن هیکل درشتش به هن
هن هم رسیده بود. فقط من نمی‌فهمیدم
دقیقاً چطور آب شده بود؟!

با اخم درهم، چشمی چرخاند. نگاهش
روی نیره خانم قفل شد. جوری جلورفت



محمد حسین قدیری - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

خاطرات یک مشاور ۲

کشتی امن دین داری

تلخ گذشته بود، اما حالا فرزند دومشان هم همان مشکل را داشت. وقتی جلسه‌ی مشاوره تمام شد به آقا گفتم: شما چند دقیقه‌ای بمانید. خانمش که از اتاق بیرون رفت. به او گفتم: شرایط بسیار سختی دارید. همسرتان به‌عنوان خانم از نظر عاطفی زمینه‌ی افسردگی بیشتری دارد، چون بخش عاطفی مغز خانم‌ها «سیستم عمقی لیمبیک در

برای تحصیل در حوزه علمیه، از ترکیه به قم هجرت کرده بود و با همسرش برای مشاوره آمده بودند. خانمش افسرده شده بود. بعد از تولد فرزند اولشان غم بزرگی به دلشان نشسته بود، چراکه متوجه شدند قلبش سوراخ است. بعد از چند عمل جراحی، چند صباحی مهمانشان بود و به‌سوی ملکوت پر کشیده بود. چندین سال از آن تجربه‌ی

خدا

خواهد داشت. از دست دادن فرزند، کمر انسان را می‌شکند، ولی همیشه به خود یادآوری می‌کنم که من چوپان خداوند هستم؛ اگر اربابی از روی لطف به فردی اعتماد کند و بره‌های زیبایی را به او بسپارد، هر زمان به هر دلیلی که خواست آن‌ها را پس بگیرد، باید امانتش را بدون دلخوری به او بازگرداند. خداوند صلاح‌دید فرزندم زودتر از موعد انتظارمان نزد خودش برگردد و من این اتفاق را با توکل به خودش می‌پذیرم و از خودش خواهانم به من، همسر و خانواده‌هایمان صبر جمیل بدهد.»

او در اتاق مشاوره بود؛ من در مقام مشاور و او مراجع. اگرچه تخصص روان‌شناسی نداشت ولی از بُعد معنوی

مغزمیانی»، بزرگ‌تر از مردان است. خدا را شکر همسران در مسیر درمان قرار گرفته ولی نباید از خودتان هم غافل شوید. شما تکیه‌گاه خانواده هستید اگر این تلخی‌ها و مشکلات زندگی شما را هم از پا درآورد، نمی‌توانید خیمه‌ی خانواده را برپا نگه دارید. مکثی کرد و گفت: «واقعیتش این است که من در ترکیه دانشجو بودم. عقیده دارم که زندگی در دنیا، هدف و فلسفه‌ی خاصی دارد. حتی حوادث ناخوشایندش بی‌معنا نیست هرچند رنج‌آور و تلخ‌اند. بر اساس همین باورم، رشته‌ی فلسفه و کلام را در حوزه‌ی علمیه انتخاب کردم. قبل از این حوادث، از دنیا انتظار نداشتم برایم فرش قرمز پهن کنند. می‌دانستم دنیا فراز و نشیب‌های زیادی

رعایت نکردن حدود روابط شرعی و اخلاقی و ارتباط با نامحرم داشت. یونگ، روان‌شناس مشهور، می‌گوید: «در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متمدن با من مشورت کردند. من صدها بیمار را معالجه و درمان کرده‌ام، اما از میان بیمارانی که در نیمه‌ی دوم عمر خود به سر می‌برند (یعنی از سی و پنج سالگی به بعد) حتی یک بیمار را ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آنان به این دلیل قربانی بیماری روانی شده‌اند که از آن چیزی که ادیان موجود در هر زمان به پیروان خود می‌دهند، محروم بودند و آنان فقط وقتی به‌طور کامل درمان شدند که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند.»^۲

هیچ کنجی بی‌دد و بی‌دام نیست
جز به خلوتگاه حق آرام نیست^۳

باگوشت و پوست و خونم حس کردم او که در طوفان بلا اسیرشده و با تاب‌آوری، هنوز مشغول ناخدایی کردن در کشتی زندگی است و از یک مشاور هم ورزیده‌تر است. خدا را شکر کردم که او چنین روحیه‌ی دریاگونی دارد و از خدا خواستم کمک کند به چنین درکی از حقایق عالم برسیم و مانند او عدل الهی را در امواج گرفتاری‌های دنیا بفهمیم.

چه دانیم ناخوش کدام است یا خوش
خوش است آنچه بر ما خدا می‌پسندد^۱

درس جهان‌بینی توحیدی

برای مشاوره که اهل تأمل باشد، تحلیل مشاوره‌ها از جهتی کلاس جهان‌بینی توحیدی است. زمانی حدود سی مشاوره تلفنی یکی از روان‌شناسان ایرانی مقیم لوس‌آنجلس را تحلیل می‌کردم. تقریباً در همه مشاوره‌ها بخش مهمی از مشکل، ریشه در

خودش تاریک شده و گرفتار زندگی تلخ و سختی خواهد شد.^۷ اگر ما ته چاه حوادث باشیم و طنابی که خداوند انداخته است تا با آن خود را بیرون بکشیم، نگیریم، به خداوند ضرری نمی‌رسد بلکه خود را از آرامش محروم کرده‌ایم.

بله مشاوره به من درس عقاید می‌دهد، که خدمات دین جدای از سود آخرت، در همین دنیا هم نقد است.

توصیه‌های کاربردی:

رفتارهای دینی مانند صبر(در طاعت، معصیت و مصیبت)، نماز، حجاب و روزه از دل باورها رشد می‌کنند. همان‌طور که زیربنای یک‌خانه باید محکم باشد در عصر دیجیتال و سیل شبهات، تلاش کنیم زیربنای محکمی برای باورهایمان بسازیم. بنابراین برای تقویت باورهای دینی و رفع شبهات خود و فرزندانمان لازم است از کتاب‌ها و مشاوره کارشناسان متخصص

دانیل آمن از معدود متخصصان اعصاب و روان است که در دنیا



در زمینه تصاویر مغزی هسته‌ای مدرک علمی دارد. او در کالیفرنیا مسئول بخش بزرگ اعصاب و روان است. از نظر او انسان چهار بعد جسمی، ذهنی(روانی)، اجتماعی و معنوی دارد که در کشف علل اختلالات در درمان آن‌ها باید به این چهار بعد توجه کرد.^۸ با اینکه سازمان بهداشت جهانی، بعد معنوی را رسماً به‌عنوان بخشی از وجود انسان شناخته است، اما متخصصان زیادی شدیداً از این بعد غافل هستند.^۹ از نظر قرآن در کوران حوادث فقط یاد خداوند قوی‌ترین آرام‌بخش بی‌بدیل و بی‌عوارض است.^{۱۰} مؤمنی که از نظر کمیت و کیفیت در یاد و ذکر خدا غوطه‌ور است، اقیانوس آرام است. در طرف مقابل هر کس از یاد خداوند رحمان، روی‌گردان شود

- اسلامی کمک بگیریم. کارشناسان کلام و عقاید (مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی) در این امر بسیار کمک کننده‌اند.^۸ در کنار گفتگوهای اعتقادی و رفع شبهات، زیر نظر کارشناسان متخصص دینی، والدین با به‌کارگیری توصیه‌های زیر نقش چشمگیری در تربیت معنوی خود و فرزندان خواهند داشت:
- ▀ ارتباط با دوستان و اقوام و عالمان معنوی، زیارت قبور ائمه و امام زاده‌ها علیهم‌السلام،
 - ▀ سفرهای سیاحتی، اردوهای مطالعاتی، برای مشاهده شگفتی‌های آفرینش در موجودات زمین از جمله دریاها، جنگل‌ها، آسمان و ... از طریق مطالعه، فیلم‌های مستند، ابزار حرفه‌ای مثل تلسکوپ، دیدن موزه‌ها، باغ وحش‌ها، آکواریوم‌های بزرگ و ...
 - ▀ مطالعه خدمات دین در این دنیا، مطالعه شرح حال علما و عرفا در مواجهه با بلاها و مشکلات زندگی.^۹

پی‌نوشت

۱. دیوان نشاط اصفهانی، غزل ۱۲۰.
۲. «یونگ از شاگردان فروید بود که به دلیل اختلافات در مبانی و دیدگاه‌های علمی از او جدا شد. یونگ برخلاف فروید دارای دیدگاه توحیدی مخالف جبر زیستی بود.» رک: بحران جامعه‌شناسی در غرب، ترجمه فریده ممتاز، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۸۳،
۳. مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۱۶.
۴. تغییر ذهن تغییر زندگی، ترجمه‌ی زینب عرب نژاد، انتشارات علویون، قم ۱۳۹۰، ص ۱۱ و ۴۶.
۵. Daniel G. Amen, Your Brain Is Always Listening: Tame the Hidden Dragons That Control Your Habits, Pine, Habits, and Hang-Ups, Tyndale House Publishers ۲۰۲۱، ص ۱۴.
۶. «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ آگاه باش، تنها یاد خدا، آرام‌بخش دل هاست. «رعد/۲۸».
۷. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»؛ و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و پیچیده‌ای خواهد داشت.) «طه/۱۲۴».
۸. تلفن: ۰۹۶۴۰۰ و وبگاه پاسخگو به نشانی: www.pasokhgoo.ir
۹. مانند کتاب مسکن الفواد (اسلام در کنار داغ‌دیدگان)، شهید ثانی.



یک هنر و صد برکت

احمد اسماعیلی - دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه

نوشتار پیش رو متن مصاحبه‌ای با موضوع «زمینه‌ی اشتغال همسران مبلغان و آثار آن در زندگی» توسط ماهنامه‌ی خانواده مبلغان با سرکار خانم قدیری است که توانسته‌اند با یادگیری یک هنر و مهارت در جهت بهبود اقتصاد خانواده نیز گامی بردارند که متن آن جهت بهره‌مندی خانواده‌طلاب و مبلغان منتشر می‌گردد:



به صورت مداوم و حرفه‌ای ادامه دادم اما بعد به خاطر برخی شرایط خانوادگی و رسیدگی بیشتر به فرزندانم کمتر کار کردم، فقط در حد نیاز خودم و اطرافیانم. در آن دوران کار کفش‌دوزی را هم شروع کردم و چند جفت کفش هم دوختم ولی سه چهار سال است دوباره به‌طور جدی

؟ ضمن معرفی خودتان بفرمایید در

چه زمینه‌ای فعالیت می‌کنید و از چه

زمانی کارتان را شروع کردید؟

با سلام و احترام؛ زینب قدیری هستم

۳۸ ساله و در رشته تصویربرداری در حال

تحصیل هستم. از سال ۱۳۹۰ چرم‌دوزی

با دست را شروع کرده و دو سه سال

دوختن و انواع پرچ و دکمه زدن بود را، در زمان خیلی کمی از خواهرم یاد گرفتم و خودم شروع کردم به طراحی الگو و مدل‌های مختلف کیف و باکلی آزمون و خطاهای مختلف روبه‌رو شدم تا بالاخره توانستم کیف‌های زیادی با تکه چرم‌های طبیعی ضایعاتی که از بازار بزرگ تهران کیلویی می‌خریدم، درست کنم. فروش خوبی هم داشت ولی الان همه چیز راحت‌تر شده و الگوهای آماده در بازار موجود است و البته نکته‌ای که به نظرم خیلی مهم است به‌روز بودن و ایده‌پردازی هست که خیلی به فروش بهتر کمک می‌کند.

❓ با چرم چه وسایل ریزودرشت مصرفی

یا تزئینی می‌توان درست کرد؟

کیف‌های کوچک و بزرگ و حتی چمدان‌های مسافرتی، کفش، جاکلیدی در طرح‌های مختلف، جاسوئیچی، کمربند، فرش‌های تزئینی و پادری‌های

و حرفه‌ای مشغول چرم‌دوزی شدم که البته الان فقط کیف می‌دوزم و آموزش هم می‌دهم.

❓ برای شروع این حرفه، چه وسایل و

چه مقدار سرمایه نیاز داریم؟

با وسایل اولیه چرم که شامل (مشته، تخته، سنبه، قیچی و چرم) می‌توانیم کار را شروع کنیم. سرمایه موردنیاز برای اول کار هم از ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان هست و به مقدار چرمی که می‌خریم بستگی دارد.

❓ برای یادگیری چرم‌دوزی نیاز به

گذراندن دوره‌های حضوری هست

یا به صورت مجازی هم می‌توان این

حرفه را یاد گرفت؟

به استعدادها بستگی دارد، ولی اگر علاقه داشته باشیم این کار را می‌توان با آموزش‌های مجازی هم یاد گرفت. من خودم نه کلاس حضوری رفتم، نه مجازی. آن زمان اصول اولیه که

کیف دوزی با دست، صبر و حوصله زیادی می‌طلبد و به نظرم لازمه‌ی انجام هر کار هنری اول از همه علاقه و بعد حوصله زیاد است، البته کارهای هنری هم محدود نیستند و می‌توانیم از هر کاری که فکر می‌کنیم از عهده انجامش برمی‌آییم شروع کنیم. من کارهای هنری زیادی انجام دادم مثل (تصویر برداری، گلیم‌بافی، ساخت تابلو سه‌بعدی، دکوپاژ روی سفال، درست کردن تاج و دسته‌گل عروس و...) ولی درنهایت از جهت علاقه و استعداد و شرایط فردی و... همه جوانب را که در نظر گرفتم، کار

چرم‌دوزی به نظرم برای من گزینه بهتری بود، چراکه هم درآمد خوبی داشته و هم می‌توان این کار را در خانه هم انجام داد.

آیا همه افراد می‌توانند در کار کردن

موفق بشوند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مردم معادن طلا و نقره هستند.»^۱ بنابراین تک‌تک

کوچک و بزرگ، رومیزی‌های مختلف و حتی معرق چرم هم هست که روی طرفه‌های چوبی بکار رفته و تابلوهای خیلی زیبایی از کار درمی‌آید.



چقدر از نیازهای شخصی یا منزلتان

را با انجام این کار تأمین می‌کنید؟

خیلی زیاد، هم از لحاظ روحی و هم مالی به آرامش کمک می‌کند و توصیه می‌کنم اگر علاقه به این حرفه دارید شروع به فعالیت کنید که درآمد خوبی هم دارد.

این کار را برای چه افرادی توصیه

می‌کنید؟

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده‌اند

چراکه هر زمان تاریخ زندگی هر فرد موفقی را مرور می‌کنیم متوجه یک وجه اشتراک خواهیم شد، آن‌هم تلاش کردن بی‌وقفه است و در این مورد فرقی بین آقایان و خانم‌ها نیست.

❓ به عنوان همسر هنرمند یک خانواده،

به نظر شما خانواده طلب و مبلغان

چگونه می‌توانند در نشر معارف دینی،

همیار همسر و خانواده‌ی خود باشند؟

به نظرم همین فعالیت‌های هنری یک

شیوه‌ی مهم در نشان دادن زندگی

دینی خلاق و نشاط‌بخش است که

باعث ایجاد حس ارزشمندی در افراد

می‌شود. وقتی شخص متدین و

هنرمند، فعالیت‌های خود را در جامعه

پررنگ می‌کند، این کار کمک زیادی به

خنثی‌سازی تهاجم فرهنگی و تبلیغات

مسموم رسانه‌های بیگانه خواهد کرد.

انسان‌ها، استعدادها و رغبت‌های خاص خودشان را دارند که باید برای موفقیت زحمت‌کشیده و با تلاش و مشورت و ارتباط با افراد هنرمند، استعداد واقعی خود را پیدا کنند. شاید در این مسیر کمی فراز و نشیب داشته باشیم ولی دیر یا زود به رشته موردعلاقه خودمان می‌رسیم و لازم است بدانیم کسی که بی‌حرکت و منتظر معجزه باشد، همیشه درجا زده و رشدی نخواهد کرد. بنابراین حتی گاهی برخی شکست‌ها زمینه رشد و ارتقاءمان است.

❓ به نظر شما خانم‌های خانه‌دار

چگونه می‌توانند وقتشان را مدیریت

نمایند تا حس نکنند خانه‌داری مانع

رشدشان می‌شود؟

به نظرم اول هدف داشتن و دوم

برنامه‌ریزی و بعد از این‌ها تلاش کردن،

من خودم همیشه این شعر را با خودم

مرور می‌کنم:

که فرزند ندارند یا همسرشان وقت کمتری برای حضور در خانه دارد این خطر وجود دارد که نشاطشان گرفته شود. بنابراین حتماً نیاز به برنامه‌ریزی هست. همسران طلاب و مبلغان حتی در سفرهای تبلیغی می‌توانند با رسوم و هنرهای محلی شهرهای مختلف آشنا و هنرهای خود را آموزش دهند. نباید در این مسیر ناامید شویم. حتی اگر نتیجه و هدفمان از انجام کارهای هنری، مادیات و امور مالی هم نباشد، اثر آن در زندگی و استفاده شخصی خود و خانواده‌مان مشخص خواهد شد چراکه باعث سرزندگی و حس اعتماد به نفس در روحیه‌مان می‌گردد.



پی‌نوشت

۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۱۷۷.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۹۰.

گاهی دیده‌ام با یک بیت شعر روی اثر هنری مثل کوزه سفالی، به صورت غیرمستقیم تبلیغ آموزه‌های دینی شده که اتفاقاً بسیار مؤثر و بانفوذ است و ذهن مخاطب هم بدون مقاومت آن را بارنگ هنر می‌پذیرد.

؟ اگر نکته یا سخن پایانی برای مخاطبان

این ماهنامه دارید بفرمایید؟

به نظر می‌رسد، زن خانه‌دار می‌تواند با فتاوری و مطالعه به‌روز باشد و باعث تجلی پیدا کردن جلوه‌های هنرهای مختلف در زندگی‌اش شود. دیدن نمایشگاه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها، ارتباط با هنرمندان و مشاهده محصولات افراد موفق حتی در فضای مجازی در این راستا کمک‌کننده است. امام علی علیه السلام فرمودند: «اگر تو نفس را به کاری مشغول نکنی، او تو را به خودش مشغول می‌کند»^۱ و با خیالات گذشته و نگرانی‌های آینده شمارازمین‌گیر می‌کند.

برای زنان خانه‌دار به‌خصوص آن‌هایی



الفبای تربیت ۱

مسائل والدین در مسیر تربیت صحیح فرزندان

محمدحامد مبینی راوندی - دانش آموخته سطح ۴ تفسیر قرآن و تعلیم و تربیت اسلامی

نعمت شیرین (فرزندان)، کافی نیست
و ما باید در عمل، نشان دهیم که چقدر
شاکر این نعمت هستیم.

❓ اما چگونه می‌توان به صورت عملی
شکر این نعمت را به جا آورد؟

امام سجاد علیه السلام در پاسخ به این سؤال
می‌فرماید: «و اما حق فرزندت این است که
بدانی او در زندگی دنیا، از تو وابسته به تو

خدایا شکر!

شاید مهم‌ترین زمان که ما پدر و مادرها
این جمله را از ته دل حرکت داده و بر
زبان جاری می‌کنیم، هنگامی باشد که
به فرزندی که خداوند به ما داده است
فکر می‌کنیم. فرزندی که مهم‌ترین
سرمایه و لذت زندگی ما هستند.
شاید شما هم مثل من به این فکر
کرده‌اید که شکر زبانی خدا برای این

در درون خود گنجانده است. دستیابی به این امر مهم، نیاز به رصد و توجه به مسائل مختلف امر تربیت دارد. اگر والدین در تلاش اند که مسیر تربیت فرزند خود را به طور «صحیح» طی کنند، باید برای این مسیر تمرکز و زمان گذاشته و در مورد مسائل مختلف آن، اطلاعات لازم را کسب نموده و مهارت‌های مورد نیاز را نیز در دستور کار خود قرار دهند.^۲

بنابراین کار سخت و مهمی را برای پیمودن «تربیت صحیح» فرزندمان داریم. راهی که از مسائل زیادی برخوردار است که باید با سخت‌کوشی و توکل به خداوند این مسائل را حل کنیم. در این نوشتار به بیان برخی مسائل در مسیر تربیت می‌پردازیم.

❶ خواسته‌هایمان در تربیت فرزند را مشخص

کنیم؛

اولین مسئله‌ای که ما باید در مسیر تربیت فرزند برای خود حل کنیم، پاسخ

است، خیر و شرش با تو گره خورده است و تو مسئولیت سرپرستی او را در اموری مانند: حسن تربیت، راهنمایی او به خدای عزوجل و کمک او بر طاعت و فرمان برداری خدا در مورد تو و در مورد خودش، به عهده‌داری، سپس در صورت انجام این مسئولیت، پاداش می‌بری و در صورت کوتاهی، کیفر می‌شوی».

با تعبیر امام سجاد علیه السلام می‌فهمیم که اصلی‌ترین حقی که فرزندانمان بر گردن ما دارند، این است که آن‌ها را در مسیر عبودیت و طاعت خداوند متعال، به شکلی صحیح تربیت کنیم. با این حساب، سؤال دیگری که باید به خودمان جواب دهیم این است که تربیت صحیح فرزند چگونه است؟

کارشناسان تربیت فرزند به ما پاسخ

می‌دهند که؛

«تربیت صحیح فرزند» دارای ابعاد مختلف و پیچیده‌ای است که مسائل متعددی را

به این سؤال است که «می‌خواهیم فرزندمان دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟» در واقع ما تا هنگامی که فرزند مطلوبمان را فرض نکنیم، نمی‌توانیم تربیت صحیحی را در پیش گیریم. یکی از جواب‌هایی که ما به این سؤال می‌دهیم ممکن است این باشد که «دوست داریم فرزندمان خوب تربیت شود». اما اگر از ما سؤال شود منظورت از «خوب» چیست؟ دقیقاً نمی‌دانیم که منظورمان چیست! آیا منظومان

داشتن مدرک تحصیلی است؟ آیا منظومان

مواردی مثل مؤدب بودن و... هست؟

آیا در نظر ما رها کردن درس و مشغول

شدن به یک شغل مهارتی، خوب

است یا بد؟ آیا منظومان داشتن

یک شغل مناسب در آینده است؟

یا حتی فقط نماز خوان شدن را خوب و

کافی می‌دانیم؟

شاید هر کدام از ما بر اساس ذوق

و نگاه محدودمان، و یا حتی بر

اساس آرزوهایی که خودمان

در زندگی به آن‌ها دست

پیدا نکرده‌ایم و آرزوی

رسیدن



چه ویژگی‌هایی است و این ویژگی‌ها با خواسته‌های ما چه مقدار فاصله و یا نزدیکی دارند؟

با این بررسی کوچک، نتیجه می‌گیریم که اولین مسئله‌ی اساسی در مسیر تربیت صحیح فرزندان این است که «خواسته»‌هایمان را در تربیت فرزندان به صورت دقیق مشخص نماییم و فهم درستی از این نقطه داشته باشند.

۲ روش‌های مناسب در مسیر تربیت را

بشناسیم؛

برخی از ما «خواسته»‌های مشخصی داریم، اما در استفاده از روشی که فرزندان را به این خواسته‌ها برساند، ابهام داریم. یعنی دقیق نمی‌دانیم که برای تربیت صحیح چه روش‌هایی وجود دارد و این روش‌ها در چه مواقعی کارایی لازم را دارند؟ بیشتر ما معمولاً فقط از دو روش «دستور دادن» و «نصیحت کردن»

فرزندان به آن نقطه را داریم، تعریف ناقصی از «خوب بودن» داشته باشیم، اما باید از خودمان بپرسیم که « آیا واقعاً منظور از تربیت صحیح اسلامی، همین جایگاهی است که ما بر اساس خواسته خودمان برای فرزندانمان در نظر گرفته‌ایم؟»

مسئله، هنگامی حادث می‌شود که هرکدام از ما برای تربیت هر یک از فرزندانمان یک خواسته و نقطه‌ی «خوب» جداگانه در نظر می‌گیریم و حتی در یک خانواده، پدر و مادر یک خواسته مشترک ندارند و هرکدام درصد هستند فرزند را طبق میل خود تربیت نمایند.

حال سؤال این است که خواسته‌های ما در مسیر تربیت فرزندانمان، با رسیدن او به مرحله «بندگی» چه رابطه‌ای دارند؟ و اصولاً یک فردی که به مرحله «بندگی» رسیده است در ابعاد مختلف شخصی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی دارای

را از آن نهی کرده‌ایم. این جمله یادمان نرود که «فرزندمان بیش از آنکه حاصل امرونی ما باشد، نگاهش به رفتار ما است و از آن الگو می‌گیرد، یعنی حاصل رفتارمان است.»

۱۳ شناخت مناسب از مراحل رشد فرزندان

داشته باشیم؛

تربیت صحیح، درگرو شناخت مناسب از خصوصیات فرزندمان است. ما باید این ویژگی‌ها را در دو محور خصوصیات عمومی و فردی فرزندمان به دست آوریم:

استفاده می‌کنیم. هنگامی که میل و خواسته فرزندمان برخلاف خودمان باشد از روش دستوری استفاده می‌کنیم و می‌خواهیم با امرونی کردن و حتی داد زدن حرف خودمان را به کرسی بنشانیم، و زمانی هم که فرزندمان مخالفتی با ما ندارد، می‌خواهیم با نصیحت کردن کارمان را پیش ببریم. زنگ خطر زمانی بیشتر به صدا درمی‌آید که خودمان ناخودآگاه و یا حتی خودآگاه مرتکب رفتاری می‌شویم که فرزندمان



ویژگی‌های عمومی فرزندان:

از طرفی دیگر باید گفت شناخت ویژگی‌هایی که توسط محیط در فرزندان ایجاد می‌شود نیز یکی دیگر از وظایفمان در راستای شناخت اوست. قطعاً شما هم قبول دارید که فرزندان ۱۰ ساله کنونی، با فرزندان ۱۰ ساله‌ی چندین سال پیش، تفاوت‌های بسیار دارند.

ویژگی‌های فردی فرزندان:

بارها مشاهده شده که فرزندان یک خانواده با اینکه در یک محیط زندگی و رشد می‌کنند، دارای خصوصیات منحصر به فردی نیز هستند. پس باید شناخت خوبی از افکار، حالات، و روحیات خاص هر کدام از فرزندانمان داشته باشیم.

این ویژگی‌ها به مواردی گفته می‌شود که مربوط به سن و جنسیت فرزندانمان هست که در عموم افراد وجود دارد. به عنوان مثال کارشناسان تربیتی، «استقلال طلبی» را یکی از ویژگی‌های سن نوجوانی می‌نامند که درک درست و موضوع‌گیری مناسب والدین در رابطه با این ویژگی، بسیاری از مشکلاتی را که برای معمول نوجوانان در رابطه با خانواده به وجود می‌آید، قابل مدیریت خواهد کرد. علاوه بر آنکه هر کدام از مراحل رشد فرزندان یعنی خردسالی، کودکی، نوجوانی و جوانی خصوصیات خاصی را در او ایجاد می‌کنند، برخی ویژگی‌ها نیز مربوط به جنسیت اوست که لازم است با آن‌ها آشنا باشیم.

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۱، ج ۷۱، ص ۱۵.
۲. رک: من دیگر ما، مهارت‌های تربیت فرزند در دنیای امروز، محسن عباسی ولدی، انتشارات جامعه الزهراء (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۷.
۳. رک: نیاز نوجوانان به استقلال، دکتر جواد محمودی قرانی، نشر قطره، ۱۳۹۵.

چند قدم تا خوشبختی

رضیه جبریل زاده - کارشناس ارشد مشاوره خانواده



در این یادداشت، به چند قدمی که می‌تواند موجب احساس خوشبختی زوجین در زندگی مشترک می‌شود اشاره می‌کنیم:

قدم اول:

نقشه‌ی عشق خود را گسترش دهیم؛

زن و شوهر باهوش و احساساتی، نگاه یکدیگر به دنیا و علایق یکدیگر را می‌شناسند. می‌دانند همسرشان در موقعیت‌های مختلف چه احساسی دارد، چه چیزی او را آرام یا آشفته می‌کند. چه زمانی خسته و چه زمانی خوشحال است. این شناخت دقیق از جزئیات را

امید به خوشبخت شدن و خوشبخت کردن طرف مقابل از جمله آرزوهای هر فردی در زندگی زناشویی است. همان خوشبختی که به تعبیر قرآن کریم در آرامش و همراهی با همسر خلاصه می‌شود: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید؛ تا به ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد؛ اما این امر نیاز به هماهنگی و تلاش دونفره دارد؛

به گذشته‌ای که با یکدیگر داشته‌اند
مراجعه کنند، روزنه‌های امیدی را
برای ادامه زندگی و ابراز احساسات به
همسرشان خواهند یافت. زوجین
موفق و خوشبخت کسانی هستند که
در تنش‌های زندگی، روزهای خوشی که
با همسر خود داشته‌اند را یادآوری و
مروور می‌کنند.^۲

قدم سوم:

به جای فرار از هم، به سمت همدیگر برویم؛

در مشکلات و تنش‌های زندگی، برای
جلوگیری از ایجاد فاصله، اولین قدم برای

می‌توان «نقش‌های عشق» نام گذاشت
که تمام اطلاعات در ارتباط با همسر را در
خود جای می‌دهد.

قدم دوم:

گذشته‌های دوست‌داشتنی را از یاد نبریم؛

برای اینکه متوجه شویم یک زوج چقدر
به هم علاقه دارند و میزان عشق آن‌ها
نسبت به یکدیگر چقدر است، باید دید
که نسبت به گذشته‌ی زندگی مشترک
خود چه احساسی دارند. ممکن است
در حال حاضر زندگی مشترک دچار
مشکلات جدی شده باشد، ولی اگر



قانع کردن یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و آن گفت‌وگویی که می‌توانست به خوبی و همراه با حل مشکل به پایان برسد، ممکن است به بحثی جدی و یا سکوتی همراه با عصبانیت ختم شود، یعنی به احساس خوشبختی خود آسیب زده‌اند.

قدم پنجم:

با گفتگو بر بن بست‌ها غلبه کنیم؛

از بین بردن بن بست، به معنای حل مشکل نیست، بلکه به معنای بیرون آمدن از آن گفت‌وگو با همسر و پیدا کردن راهی برای حل مسئله است. شاید کسی بگوید ما در اصل دعوت و شروع به گفتگو با همسرمان مشکل داریم که این مسئله را می‌توان با یک راهکار و تکنیک ساده حل کرد، لازم است برای دعوت نتیجه‌بخش به گفتگو چند مرحله را رعایت کنیم:

تعیین موضوع: افت تحصیلی بچه‌ها

مدت زمان مورد نیاز: ۱۰ دقیقه

رفتن به سمت یکدیگر، ایجاد شرایطی شاید کم‌اهمیت اما مهم در رابطه‌ی زناشویی است. مثلاً قدم زدن در پارک و یک شام دونفره ساده و حتی گشت و گذارهای بدون هدف خاص می‌تواند به بازبانی رابطه و ایجاد احساس خوشبختی و گذر از مشکلات زندگی کمک بزرگی کند. اینکه زن و شوهر احساس کنند که بدون حضور فرزندان باید وقتی برای یکدیگر بگذارند از جمله مهم‌ترین نکات در ایجاد رابطه مثبت است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد.

قدم چهارم:

با کمک یکدیگر مشکلات را حل کنیم؛

وقتی همسران به این تفکر دست می‌یابند که مشکلات قابل حل هستند، باهمدیگر با احترام رفتار کرده و نظرات و پیشنهادات یکدیگر را می‌پذیرند، در نتیجه می‌توانند اختلافات موجود در زندگی‌شان را برطرف کنند. اما در نقطه‌ی مقابل، وقتی زوجین در بیشتر مواقع در حل مشکلات، اختلافات یا

حرف بزنند و از این اشتراک لذت ببرند، مثل زمانی که هر دو متوجه اعتقادات مشترک و پایبندی زیاد نسبت به آن شده، یا وقتی که پی به تعهد شدید یکدیگر نسبت به خانواده و همسر می‌برند. این اصل موجب استحکام رابطه زن و شوهری خواهد شد. تشکیل خانواده، فقط جهت فرزندآوری و تربیت فرزندان، زندگی کردن و بروز احساسات نیست و زندگی زناشویی و روابط زوجین باید دارای معنای مشترک بین آن‌ها نیز باشد.^۴



پی‌نوشت

۱. روزم/ ۲۱

۲. رک: مقایسه سلامت روان، سازگاری زناشویی و صمیمیت زناشویی بین زنان شاغل و غیر شاغل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، عبدالله مرادخانی، شیراز ۱۳۹۶.

۳. رک: خانواده‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، موسوی، انتشارات دانشگاه الزهراء ع.ه.ع، تهران ۱۳۹۳.

۴. رک: بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین، اکرم صدیقی، مجله دین و سلامت ۱۳۹۳، دوره ۲، شماره ۱، ص ۴۹ - ۵۶.

گرفتن نوبت: کی صحبت کنیم؟

به‌عنوان مثال: همسر عزیزم لازمه در مورد درس بچه‌ها ۱۰ دقیقه صحبت کنیم، کی وقت داری؟
اختلافی که با بن بست مواجه شود ممکن است به مشکلی دائمی در زندگی زناشویی تبدیل شود، ولی زوجین در آینده توانایی این را پیدا خواهند کرد که بدون اینکه باعث اذیت همدیگر شوند، درباره‌ی آن مشکل باهم حرف بزنند و راه‌حل مشترکی برایش پیدا کنند.^۳

قدم ششم:

ارزش‌های مشترک خلق کنیم!

زوجین در زندگی با یکدیگر به‌مرورزمان متوجه تفاوت‌های زیادی می‌شوند. اما تمرکز بر این تفاوت‌های طبیعی، موجب ایجاد فاصله خواهد شد. پس زمانی در این موقعیت موفق عمل خواهند کرد که ارزش‌های مشترک یکدیگر را کشف و یا حتی خلق کنند، در مورد آن‌ها با یکدیگر



چگونه حسود نباشیم؟!

عقیل مصطفوی مجد - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه - کارشناس ارشد مشاوره خانواده

گاهی در بعضی افراد صفات یا رفتارهایی را می‌بینیم که سال‌ها آرزوی داشتن آن‌ها را داشتیم. در این‌گونه مواقع ممکن است دو نوع احساس در ما بیدار شود؛ حسرت یا حسادت.

تعریف حسد

حسرت و حسادت یک شباهت و یک تفاوت دارند. شباهتشان در این است که در هر دو با کسی مواجه هستیم که در یک زمینه‌ی خاص، از ما بالاتر است و ما آرزوی تساوی با او را داریم. اما تفاوتشان، آن است که در حسرت، میل شدیدی داریم که بالاتر برویم و برخی از فرهنگ نویسان، اصل این واژه را از **حَسَدَل** به معنای **گینه** دانسته‌اند؛ همان‌گونه که گنه پوست تن آدمی را زخم می‌کند و خونش را می‌مکد، حسد نیز باجان و روان حسود چین می‌کند.^۱ اما در اصطلاح، حسادت؛ آرزوی زوال

شخص دوباره شغل جدیدی پیدا کند یا سلامتی‌اش را به دست آورد، اضطرابش برطرف می‌شود، اما در حسادت، عامل خودخوری، خود شخص است و از آنجاکه انسان هیچ‌وقت نمی‌تواند از خودش جدا شود، حسود تا لحظه مرگ آرامش ندارد. به همین جهت است که حضرت فرمود: «آفرین بر حسادت؛ چه عدالت‌پیشه است. پیش از همه، صاحب خود را می‌کشد.»^۶

نعمت بر دیگری است.^۳ پس برخلاف حسرت، حسادت همیشه مخرب است؛ چون آدم حسود، وقتی حالش خوب می‌شود که شخص موردنظر سقوط کند؛ یعنی دقیقاً حال خوبش درگرو چیزی است که ممکن است هیچ‌وقت اتفاق نیفتد. بنابراین چنانچه در کلام اهل بیت علیهم‌السلام آمده، حسود هیچ‌گاه آرامش نداشته و سودی نمی‌برد.^۴

زخم حسادت بر جسم و روح

امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام جمله‌ی عجیبی در این باره دارد؛ می‌فرماید: «در شگفتم از غفلت حسود نسبت به سلامتی بدن خود.»^۵ شاید سؤال کنید چطور؟ وقتی شخص، مضطرب است؛ یعنی یک عاملی، باعث اضطراب او شده؛ مثل بی‌پولی یا اخراج از محل کار یا بیماری و اگر آن عامل برطرف شود، اضطراب آن شخص هم از بین خواهد رفت. مثلاً اگر



ریشه کجاست؟

سؤال خیلی مهم، این است که ریشه حسادت در چیست؟ چرا شخص باید بین صعود خودش و سقوط دیگری، سقوط دیگری را انتخاب کند؟ ریشه‌ی حسادت، خودکم‌بینی است؛ این یعنی شخص حسود، عمیقاً از درون باور دارد که نمی‌تواند به جایگاه بالاتری برسد. بنابراین تنها راهی که می‌ماند، سقوط دیگران است. شاید سؤال کنید که گیریم دیگری سقوط کرد و هم‌تراز او شد، چه چیزی نصیبش می‌شود؟ فقط یک چیز و آن، پوشیده شدن احساس ضعف انسان حسود که از این به بعد وقتی روبه‌روی آینه قرار می‌گیرد، دیگر صدایی داخل سرش نمی‌پیچد که او توانست و تو نتوانستی؛ حالا دیگر هر دوی ما نتوانستیم!

هشدار!

از حسادت خودمان بترسیم؛ چون حسادت تا حسود را به قهقرا نکشاند، آرام نمی‌نشیند. از حسادت دیگران هم بترسیم؛ اگر ما در تیررس تیر زهرآلود حسود قرار گرفتیم، همیشه ممکن است این تیراز چله‌ی کمان خارج شود و از جایی که نمی‌بینیم به قلبمان بنشیند.



نسبت به تو بیدار شد، فقط بگو به خدا پناه می‌برم!)^۱ از همین جا می‌توان عمق فاجعه را فهمید که هیچ‌کس جز خداوند، توان دفع شرّ انسان حسود را ندارد. چون ما نمی‌دانیم حسود پشت سر ما چه کارهایی که نمی‌کند.

امادرمان...

اگر ناخواسته دچار حسادت شدیم، چطور باید خودمان را درمان کنیم؟ چند گام برای درمان حسادت وجود دارد:

① حسادت، شاید بزرگ‌ترین مربی خودسازی و خودشناسی است. هر وقت که حسادت در درونمان بیدار شد از خودمان بپرسیم، دقیقاً چه چیزی مرا آزار می‌دهد؟ شاید پاسخ این باشد که چرا او آن قدر بین مردم محبوب است و من نه؟ این دقیقاً نقطه ضعف ما در حوزه ارتباطات اجتماعی است. هیچ چیز مثل

می‌پرسید چطور در مقابل حسادت

دیگران از خودمان مراقبت کنیم؟

راهکار خیلی ساده است؛ نباید حسادت را در دیگران بیدار کنیم. در زمانه‌ای که حماقت به نمایش گذاشتن نعمت‌ها موجب افتخار شده، ما پنهان‌کاری را رویه‌ی کار خود کنیم؛ تفریح برویم ولی به کسی نگوییم، غذای خوب بخوریم و به کسی نگوییم. امروزه یکی از آفت‌های فضای مجازی همین خودنمایی‌ها و استوری‌های جورواجور از لحظه‌لحظه‌های زندگی است که گاهی خودش محرک این حسادت‌هاست، به این فکر کنیم که واقعاً لازم نیست همه اتفاقات و لحظه‌های زندگی را به دیگران اطلاع دهیم. یادمان باشد کنار آدم حسود باید طوری رفتار کرد که انگار کنار یک اژدهای در خواب زندگی می‌کنیم؛ ساکت و بی‌سروصدا! خداوند در سوره فلق به پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «هر موقع حسادت حسود

حسادت نمی‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم که دقیقاً باید روی کدام نقطه ضعفمان کار کنیم. ممکن است حسادت در مورد یک نعمت خدادادی باشد؛ مثلاً چشم‌های رنگی یک نفر خیلی زیباست و ما آن چشم‌ها را نداریم. در چنین اوقاتی باید به خودمان یادآوری کنیم که لطف خداوند به ما کمتر از او نبوده و خدای ما فرقی باهم ندارند، اما به طور مثال لطف خداوند در ظاهر او نمود پیدا کرده و برای ما در خانواده خوب یا هوش بالا و...

۲ سوء برداشت نکنیم؛ حسود از آنجایی که از درون احساس بی‌لیاقتی می‌کند، هر نعمتی را که در دیگران ببیند، تفسیر به بی‌ارزشی خودش می‌کند؛ مثلاً یک نفر، یک خانه‌ای خریداری کرده است و او این فکر به ذهنش خطور می‌کند که من از او کمتر

هستم، چون خانه‌ام مثل او نیست. در صورتی که ما از او کمتر نیستیم، بلکه از او کمتر داریم. بنابراین داشتن) را با (بودن) اشتباه نگیریم. خودمان را جای شخصی که به او حسادت می‌کنیم بگذاریم؛ مثلاً یک نفر یک ماشین نو خریده و این فکر در ذهن ما خطور می‌کند که دوست داریم او با این ماشین تصادف کند، حالا فکر کنیم که آن ماشین برای ماست و همسر و فرزندانمان دقیقاً داخل همان ماشین هستند و یک نفر دیگر همین فکر از ذهنش عبور می‌کند که ما تصادف کنیم، می‌بینید؟ چقدر حس بدی است. پس هیچ وقت فکری را که دوست نداریم در موردمان بکنند، در مورد دیگران نکنیم.

۳ واقع‌نگر باشیم؛ ما نمی‌توانیم تمام عوامل خوشبختی را باهم داشته

خداوند نه بخیل است و نه عاجز؛ از او بخواهیم تا به ما عطا کند. یادمان باشد اگر تک تک مردم روی زمین هم ثروت قارون را از خداوند بخواهند به اندازه پَرگاهی از گنجینه‌ی خداوند کم نمی‌شود.

به حکمت خداوند ایمان داشته باشیم؛ ما از کجا بدانیم اگر آن نعمت در زندگی مان بود، عامل بدبختی ما نمی‌شد؟ بعضی وقت‌ها یک چیز در زندگی عامل خوشبختی است، اما همان چیز در زندگی شخص

باشیم. هرکس در این زندگی یک دغدغه دارد. دغدغه‌ی یک نفر، حکمت است و دغدغه‌ی یک نفر دیگر ثروت. ما خیلی چیزها را نداریم؛ چون اولویت ما نبوده. از آن طرف هم یک عده دارند؛ چون اولویت آن‌ها بوده است؛ مثلاً یک نفر چند تا خانه دارد؛ چون اولویتش در زندگی، داشتن خانه‌های زیاد بوده است، اما ما هنوز مستأجریم، ولی در عوض چندین بار سفر زیارتی خارج از کشور رفته‌ایم؛ چون سفر زیارتی اولویت ما بوده است.

حسادت را به دعا تبدیل کنیم؛ حسود

در حقیقت همیشه به خداوند اعتراض دارد که چرا فلان نعمت را به فلانی دادی، در صورتی که به جای اعتراض می‌تواند از خداوند بخواهد که آن نعمت را هم به خودش بدهد.



دیگر، عامل بدبختی می‌شود. از کجا می‌دانیم اگر آن زیبایی برای ما بود، به انحراف دچار نمی‌شدیم؟ یا اگر آن شهرت برای ما بود، رابطه‌ی خانوادگی ما از هم نمی‌پاشید؟

است که خودش را نادیده گرفته است نه خداوند. او خودش را از قلم انداخته و حواسش به نعمت‌هایش نیست و اگر دوربین را به سمت خودش بچرخاند، دیگر دلیلی برای حسادت باقی نمی‌ماند.



سخن پایانی...

انسان حسود فکر می‌کند در این عالم نادیده گرفته شده؛ فکر می‌کند که از قلم افتاده است یا موقع تقسیم نعمت، حواسشان به او نبوده، اما این خود حسود

برای مطالعه بیشتر:

روانشناسی حسادت، سعید کاوه، مؤسسه‌ی اندیشه کهن پرداز، ۱۳۹۵.

پی‌نوشت

۱. تهذیب الاخلاق، ترجمه محمد دامادی، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹.
۲. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد زبیدی، ذیل واژه «حسد»، محقق علی شیری، بیروت، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه «حسد».
۳. جواهر الکلام، ترجمه محمود قوچانی، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۷، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۵۲.
۴. «الْحَسُودُ لَا يَسُودُ»؛ غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۵۵.
۵. «العَجَبُ لِعُقْلَةِ الْحَسَادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ»؛ نهج البلاغه، ترجمه عزیز الله عطاردی قوچانی، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۲، ج ۱، حکمت ۲۱۶.
۶. «لِلَّهِ ذُرُّ الْحَسَدِ مَا أَغْدَلَهُ! نَبَأُ بِصَاحِبِهِ فُقْتَلَهُ»؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، انتشارات آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۱۶.
۷. جامعه‌شناسی خودمانی، حسن نراقی، انتشارات اختران، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۲۸.
۸. فلق / ۵.

جامه‌های برای جامعه

صبورا حسینی - کارشناس ارشد شیعه شناسی



خانم امیری اولین سؤال خود را در خصوص نقش زنان در حکومت جدید مطرح می‌کند و اینکه آیا مثلاً در امور کشور هم شرکت خواهند داشت؟ یا برای مثال وکیل و وزیر خواهند شد؟ البته اگر استعداد و لیاقتی نشان دهند.

امام خمینی رحمته الله علیه در جواب این خبرنگار خانم فرمودند: «در مورد این‌گونه مسائل حکومت اسلامی تکالیف را معین می‌کند و الآن وقت اظهار نظر در این زمینه هانیست. زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات

در بهمن‌ماه سال ۵۷ صحبت‌های مختلفی به نقل از امام خمینی رحمته الله علیه در روزنامه‌ها و نشریات در مورد زنان به چاپ می‌رسید؛ از این‌رو روزنامه‌ی اطلاعات تصمیم می‌گیرد تا «**نوشابه امیری**» خبرنگار زن خود را به نوفل لوشاتو بفرستد تا گفت‌وگوی مستقیمی با امام خمینی رحمته الله علیه داشته باشد تا آن را در صفحه ۸ روزنامه‌ی اطلاعات به چاپ برساند.



مترقی هم به این معنی نیست که زن‌ها یا مردهای ما خیال کرده‌اند، مترقی به کمالات انسانی و نفسانی است و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است نه اینکه سینما بروند و دانس بروند و این‌ها ترقیاتی است که برای شما درست کرده‌اند و شما را به عقب رانده و باید بعداً جبران کنیم. شماها آزادید در کارهای صحیح؛ در دانشگاه بروید و هر کاری را که صحیح است بکنید و هم ملت در این زمینه‌ها آزادند، اما اگر بخواهند کاری خلاف عفت بکنند و یا مضر به حال ملت و خلاف ملیت بکنند جلوگیری می‌شود و این دلیل بر مترقی بودن است»^۲

نگاه‌شی‌ءوارگی باید از روی زن برداشته شود

آری! امام خمینی رحمته الله علیه از همان ابتدا به زیبایی بیان فرمودند که توجه به کمالات انسانی و نفسانی مرد و زن است که در جمهوری اسلامی ارزش واقعی دارد و

اخیر ایران زنان نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست. خانم نوشابه امیری خبرنگار روزنامه‌ی اطلاعات سؤال کرد: چون مرا به عنوان یک زن پذیرفته‌اید این نشان‌دهنده‌ی این است که نهضت ما یک نهضت مترقی است، اگرچه دیگران سعی کردند نشان دهند که عقب‌مانده است. فکر می‌کنید به نظر شما آیا زنان ما باید حتماً حجاب داشته باشند، مثلاً چیزی روی سر داشته باشند یا نه.

امام خمینی رحمته الله علیه ضمن پاسخ فرمودند: «اینکه من شما را پذیرفته‌ام، من شما را پذیرفته‌ام. شما آمده‌اید اینجا و من نمی‌دانستم که شما می‌خواهید بیایید اینجا و این هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است که به مجرد اینکه شما آمدید اینجا، اسلام مترقی است.

دموکراسی است و فقط ما که گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام ﷺ توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفاند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت،^۳

چادر حجاب برتر است

اما در پایان، مسئله‌ای که توجه به آن لازم است، نوع حجاب برتر از نظر امام خمینی رحمته الله است.

زنان مسلمان با حفظ حیا و عفت خود اجازه نمی‌دهند تا از آن‌ها به عنوان ابزار استفاده شود و نگاه شیءوارگی به زن باید تغییر کند.

امام خمینی رحمته الله همچنین حفظ حجاب و عفت را یکی از بیشترین نشانه‌های آزادی برای زنان می‌دانستند و می‌فرمودند که چگونه آنان که ادعای آزادی بیان دارند، اجازه نمی‌دهند تا دختران مسلمان ما در کشورهای غربی حجاب را برای خود برگزینند و نگاه ابزاری را از روی خود بردارند. لذا ایشان در سخنانی فرمودند:

«احتمالاً قضیه‌ی مبارزه‌ی باحجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کم‌رنگ کردن جلوه‌ی عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین

سید روح‌الله موسوی خمینی رحمته الله علیه در صحبت‌های مختلف خود فرموده بودند که چادر زیباترین و برترین حجاب برای زن مسلمان انقلابی است.

از خانم مرضیه حدیدیچی (دباغ) در کتاب خاطراتش نقل شده است:

« وقتی از فرانسه آمدم، هنوز با مانتو و شلوار و مقنعه بودم. یک‌بار در مهران، پایم صدمه دید و با عصا و با همان مانتو و شلوار خدمت امام رحمته الله علیه رفتم تا گزارش بدهم. امام فرمودند: اگر چادر ندارید، بگویم احمد برایتان بخرد. عرض کردم: نه حاج آقا! چون به کوه می‌رفتم و اسلحه روی دوشم بود



و فشنگ به کمرم و قمقمه به پهلویم و گاهی هم باید سه‌پایه تیربار را روی دوش می‌گرفتم، چادر سر کردن برایم دشوار بود. فرمودند: چادر برای زن بهتر است. من از

آن روز چادر سر کردم.»^۴

پی‌نوشت

۱ . نوشابه امیری در سال ۱۳۳۱ به دنیا آمد. همسر وی هوشنگ اسدی منتقد فیلم و روزنامه‌نگار است. او لیسانس روزنامه‌نگاری و فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی را دریافت کرده است. کار روزنامه‌نگاری را از سال ۱۳۵۰ شروع کرده و همچنین عضو شورای سردبیر نشریه گزارش فیلم از سال ۱۳۶۹، و مدیریت دوبلاژ سال ۱۳۶۹ بوده است. وی هم‌اکنون سردبیر روزنامه الکترونیکی ایرانیان در اروپا به نام روز آنلاین است. <https://b2n.ir/x34164>

۲ . صحیفه‌ی امام، سید روح‌الله موسوی خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش، ج ۵، ص ۵۲۰.

۳ . همان، ج ۲، ص ۳۲۸.

۴ . خاطرات مرضیه حدیدیچی (دباغ)؛ محسن کاظمی، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.





از جان و دل ۳

خاطرات ارسالی از مخاطبان در اجرای طرح ۳۱۳

در شماره سوم ماهنامه به معرفی طرح ۳۱۳ پرداخته شد که به همت معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه و معاونت امور فرهنگی کمیته امداد امام خمینی ره راه‌اندازی شده بود، تا طلاب گرامی به همراه خانواده‌های خود به نقاط محروم کشور رفته و در راستای محرومیت‌زدایی از اقشار محروم، قدم‌هایی بردارند و مرهمی بر درد مردم بگذارند و مصداق عبارت «طیب دوار بطبه» باشند. در شماره‌های پنجم و ششم ماهنامه، برخی از خاطرات ارسال شده از اجرای این طرح توسط خانواده طلاب را روایت کردیم، در این شماره به ذکر یکی دیگر از این خاطرات می‌پردازیم.

گفتم: بی بی جان! خدای نکرده
مریض احوالید؟ زنگ و روی تان پریده
است، می خواهید چیزی برایتان بیاورم؟
بی بی نتوانست روی پا طاقبت بیاورد. خم
شد و نشست. با دست اشاره داد که
چیزی نمی خواهم.

کمی بعد خودش لیوان آبی که کنارش بود
را یک جرعه سر کشید و گفت: ببخشید
مادر! چند وقت است که آرام و قرار ندارم.
انگار توی دلم رخت می شورند. خدا
بیامرزدمادر بزرگم را! همیشه می گفت: خدا
هیچ کس را به چه کنم چه کنم مبتلا نکند.
دعای او در حق من مستجاب نشد و حالا
این حال و روز من است. مدت ها است که
آرامش از زندگی ام رفته، مثل مرغ پرکنده
خودم را به این در و آن در می زنم اما راه
به جایی نمی برم.

پرسیدم: بی بی نگرانمان کردید. بفرمایید
چه اتفاقی افتاده شاید بتوانیم کمکی کنیم.
آه پرسوزی از سینه برآورد و گفت: پسر



امید به زندگی

خانه ی کوچک و نقلی بی بی خاتون از
تمیزی برق می زد. یک سالن کوچک با
مختصرترین وسایل زندگی و تک اتاقی که
گوشه حیاط تعبیه شده بود.

بی بی از خادمان امامزادگان باقریه بیرجند
بود. زنی متین و آبرومند که اهالی روستا
روی اسمش قسم می خوردند.

اولین بار که او را دیدم در دلم به این همه
آراستگی و نظم آفرین گفتم.

بی بی اما حال و روز خوشی نداشت دل
بی قرار بود دست هایش بدجور می لرزید.

دارم که به دلیل شرایط برادر و پدرش در دوران حساس بلوغ عاطفی خود شدیداً دچار افسردگی شده و حتی یک بار با خوردن تعداد زیادی قرص دست به خودکشی زد که الحمدالله سریع به بیمارستان رساندیمش و نجات پیدا کرد اما الآن شدیداً دچار ضعف روحی و افسردگی است.

چشم‌های بی‌بی به سرخی نشست و بغض لب‌هایش را به ارتعاش انداخت. در همان لحظه با خودم گفتم: شاید خداوند این خانواده را بر سر راهم قرار داده تا واسطه گشایش مشکلاتشان باشم. در رابطه با طرح با بی‌بی صحبت کردم و او بسیار استقبال کرد. دو روز بعد با حاج‌آقای روحانی و همسر محترمشان به منزل بی‌بی رفتیم.

بی‌بی از ما خواست اسرار و مسائل زندگی‌شان نزد ما امانت بماند. سعی کردم اعتمادشان را به حفظ محرمانگی

نوجوانی دارم که درگیر اعتیاد شده، ترک تحصیل کرده و دائماً در اتاق کوچک کناری، مشغول مصرف مواد است. با هیچ‌کدام از اعضای خانواده حرفی نمی‌زند.



حاج‌آقای روحانی از بی‌بی پرسید: برای ترک او تا حالا کاری کرده‌اید؟

بی‌بی با ناراحتی گفت: مشکل من تنها پسر نیست. همسر هم دچار بیماری اعصاب و روان است. به علت ضربه مغزی بعد از تصادف و جراحی تدریجاً دچار افسردگی و پرخاشگری شده و دائماً در بخش اعصاب و روان بیمارستان بستری می‌شود. بیشتر وقت من هم در بیمارستان می‌گذرد و فرزندم در خانه تنها هستند. از طرف دیگر دختری

این اسرار جلب کنم و اطمینان خاطر
دهم که ما همه از خانواده بزرگ امداد

هستیم. به او گفتم: من مشکل شمارا
مشکل خودم می‌دانم و سعی در حل
این ماجرا دارم.

آن روز من و روحانی معزز و همسر
محترمشان سعی کردیم با دلداری دادن
و ابراز همدردی بی‌بی را آرام کنیم و او را
تسلی دهیم. قرار شد برای حل مشکلات
خانواده‌اش با توکل بر خدای متعال و از
طریق مساعدت‌های مالی و معنوی به او
کمک کنیم.

مدتی گذشت بی‌بی و پسرش را برای
دریافت خدمات مشاوره و راهنمایی
دعوت کردیم و بعد از چندین جلسه‌گواهی
معرفی درزمینه ترک اعتیاد به پسرارائه شد
و او توانست بعد از سه ماه بهبودی خود را
به‌طور کامل به دست آورد.

برای رسیدن به این هدف ما از طریق
امداد در زمینه اهدای سبد مواد غذایی

و مساعدت‌های موردی هرلحظه
یارگیرشان بودیم.

در این طرح سعی کردیم تا ارتباط دختر
بی‌بی را با همسر روحانی تقویت کنیم تا
با استحکام بخشیدن به باورهای مذهبی
تفکرات منفی خودکشی را از او دور کرده و
با برقراری ارتباط با مدرسه زمینه بازگشت
به تحصیلش را فراهم کنیم. از اتفاقات
خوشایند دیگری که در این طرح افتاد
ازدواج موفق این دختر بود که تحولی بزرگ
در روحیه خانواده ایجاد کرد.

پسر بی‌بی هم پس از بهبودی برای
اشتغال به من مراجعه کرد احساس
زندگی و امید در پسری که در اوج
افسردگی بود، دیده می‌شد و ما از این
بابت که واسطه خیر بودیم خداوند را
شکر کردیم.

پری کریمی، کارشناس امور فرهنگی،

خراسان جنوبی، بیرجند

ما تونی بگی؟



با مطالعه محتوای ماهنامه، پاسخ سؤالات مطرح شده را به صورت یک عدد ۵ رقمی از چپ به راست طبق نمونه (۱۴۳۱۲ - شماره ۷) به همراه نام نام خانوادگی، به آیدی esfahani_ess@arsal.com ارسال بفرمایید.
به افرادی که پاسخ صحیح داده باشند، هدایایی به قید قرعه اهداء خواهد شد.

۱ کدام گزینه از تأثیرات فضای مجازی بر کودکان نیست؟

- ۱ کم تحرکی
- ۲ عدم مطالعه
- ۳ بی میلی به ارتباط حضوری
- ۴ پرخاش گری

۲ کدام ویژگی باعث می شود انسان فکر کند در این عالم نادیده گرفته شده و از قلم افتاده است، یا زمان

تقسیم نعمت، حواسشان به او نبوده است؟

- ۱ بخل
- ۲ حسادت
- ۳ کینه توزی
- ۴ حقارت

۳ به نظر جفری یونگ (روانشناس معروف) اساساً عامل بروز مشکلات روحی و روانی به خصوص بعد

از سن ۳۵ سالگی کدام است؟

- ۱ حوادث ناگهانی
- ۲ عدم بلوغ اجتماعی
- ۳ نیاز به گرایش دینی
- ۴ کمبودهای دوران کودکی

۴ تکنیک دعوت به گفتگو به ترتیب شامل چه مراحل است؟

- ۱ مدت زمان مورد نیاز، گرفتن نوبت، تعیین موضوع
- ۲ تعیین موضوع، مدت زمان مورد نیاز، گرفتن نوبت
- ۳ گرفتن نوبت، مدت زمان مورد نیاز، تعیین موضوع
- ۴ تعیین موضوع، مدت زمان مورد نیاز، بیان خواسته

۵ طبق فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ از چه سنی باید بستر خواب کودکان از هم جدا شود؟

- ۱ دو سالگی
- ۲ پنج سالگی
- ۳ از زمان بلوغ
- ۴ هفت سالگی

◆ **برنده مسابقه شماره ۶ ماهنامه: سرکار خانم: مریم رسولی اخگر - همدان**

◆ **پاسخ صحیح مسابقه شماره ۶ ماهنامه: ۴۲۴۲۱**

فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلغان (همسران و فرزندان)
در قالب ماهنامه «خانواده مبلغان» به چاپ برساند.



موضوعات فراخوان:

۱. شیوه‌های تعامل خانواده مبلغان با نسل جوان؛
۲. راه‌های ایجاد نشاط و شادابی در خانواده مبلغان؛
۳. تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تربیت فرزندان؛
۴. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلغان و روحانیون؛
۵. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۶. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلغان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۷. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلغان با خویشاوندان؛
۸. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلغان؛
۹. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلغان؛
۱۰. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلغان؛
۱۱. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۲. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلغان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- * پرداخت حق‌التألیف
- * چاپ مقاله به نام نویسنده
- * صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- * حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- * دارای نوآوری و خلاقیت؛
- * مناسب خانواده طلاب و مبلغان؛
- * ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



شماره تماس دفتر ماهنامه:

۰۲۵-۳۱۳۲۵۶۵

آدرس اینترنتی سامانه دریافت مقالات:

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir